باشد درهر صورت باید وفاشود.

رئیس — ازمجلس هم‌وعده داده‌شد که یك همچو کمیسیونی تشکیل شود واینکار را انجام کنند ولی همچو عدهٔ که خود مجلس کمیسیونی بفرستند داده نشد شروع بشوردر قانون محاسبات عمومی‌شد)

ماده ۳۹ وزیر که کمیسیون ۳ ماده قرار داده بود بعبارت ذیل‌قرائت‌شد (تفریغ بودجه)

ماده ۵۲ تفریغ بودجه بموجب لایحه قانونی است که‌وزیرمالیه بمجلس شورای‌ملی پیشنهادمیکند.

حاج‌سید ابراهیم — اینجا یك‌ماده را سه ماده کردن بنده نمی‌دانم‌معنیش‌چیست مثلا اگر آن‌لفظ «بارعایت تقسیمات بفصول و مواد» این‌طور شود که بموجب لایحه قانونی تفریغ بودجه با رعایت تقسیمات بفصول و مواد وزیر مالیه بمجلس شورایملی پیشنهاد میکند کفایت‌میکند دیگر محتاج بماده بعدش‌نیست همان کفایت میکند.

رئیس — رأی‌میگیریم کسانیکه بامادہ ۵۲ کمیسیون بطوریکه قرائت شده‌موافقند قیام نمایند اغلب قیام نمودند باکثریت تصویب‌شد.

ماده ۵۳ کمیسیون بمضمون ذیل‌قرائت شد.

ماده ۵۳ موقع پیشنهاد کردن لایحه قانونی تفریغ بودجه ازروز ختم دوره عمل منتهی‌تا۱۵ ماه بعدخواهد بود.

حاج‌آقا — خوب‌است‌مخبر محترم توضیح‌بدهند که‌بچه مناسبت تا۱۵ ماه بعداز دوره ختم عمل‌موقع پیشنهاد لایحه قانونی تفریغ بودجه خواهد بود.

فهیم‌الملك — دیوان‌محاسبات یك‌شور شده است دراینجا هم گفته شد کارهائی را باید بکنید و بیاید بمجلس دوره عمل که ختم‌شد باید دوره عمل را تا چهار ماه حساب کرد دوماه هم‌دیوان محاسبات‌وقت دارد برای رسیدگی دوماه هم حق اعتراض خواهند داشت واین‌یك مدتی وقت لازم دارد شایداز ۱۵ ماه هم بیشترطول بکشد آنجاهائیکه قانون محاسبات‌تمام و مدون و کاملا مرتب شده است وعمل میکنند باز تقریباً سه‌سال طول میکشد زیرا که‌خیلی کاردارد که ازمجلس بگذرد واینجاهم اگر کم ننوشته‌ایم زیادهم ننوشته ایم این کار هائی که‌در این ۱۲۰ ماده قانون نوشته شده است بیست ماه کار داردباید‌تمام درعرض ۱۵ماه بعمل بیاید.

افتخارالواعظین — آنجاهائیکه میفرمایند سه سال طول‌میکشد بودجه‌شان عبارت از هشتصد و هفتصد کرور است نه‌بیست کرور گمان میکنم‌همینقدر که وقت بدهیم بدیوان محاسبات که بتوانند رسیدگی کنند همانقدر کافی است‌دیگر اینمدت لازم‌نیست.

فهیم‌الملك — این‌را هم‌بخاطر بیاورید که آلان محاسبه این بیست کرور بیشتر از محاسبه هفتصد هزار کرور سایر جاهاست.

محمدهاشم‌میرزا — آنجاهائیکه مالیات زیاد داوداجزاء هم‌زیاددارداجزاء مناسب‌مالیات‌است.

حاج‌سیدابراهیم — بلی ۱۵ ماه بعدرا بنده خیلی زیاد میدانم اینموقع پیشنهاد کردن است نه اینکه موقعی که‌مجلس‌باید رأی بدهد. چطور میشود که۱۵ ماه وقت بدهیم.

کاشف — بنده گمان دارم که این ماده باید اصلاح شود ۱۵ ماه بعد از ختم دوره عمل خیلی زیاد است مجدد ماده مزبور بطور ذیل قرائت شد.

ماده ۵۳ موقع پیشنهاد کردن لایحه قانونی‌تفریغ بودجه ازروز ختم دوره عمل منتهی تاپانزده ماه بعد خواهد بود.

رئیس — رای میگیریم برماده ۵۳ به‌آن طریقی که مخبر اظهار میدارندکه ۱۵ماه بعد باشد کسانیکه موافقند باآن ماده قیام نمایند (اغلب قیام نمودند وبه اکثریت تصویب‌شد.)

ماده ۵۴ کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شد.

ماده ۵۴ ـ لایحه مزبوره بایدشامل صورت‌قطعی تمام اعتبارات وعایدات ومخارج دوره مقتضیه بموده ونتیجه قطعی معاملات کل بودجه آنرا تصریح نماید ومستند بصورتهای ذیل است.

(۱) صورت حسابهای وزراء وحساب کل مالیه.

(۲) صورت مجلس کمیسیون تفتیش.

(۳) راپورت سالیانه دیوان محاسبات.

کاشف — صورت قطعی اعتبارات و عایدات که اینجا نوشته شده است عایدات را نمیشود قطعی تصور کرد بجهت اینکه خیلی ازعایدات ممکن است درمحل بماندونتوانند معین کنند که‌عایدات‌چقدرست.

فهیم‌الملك — این لایحه قانونی تفریغ بودجه معنی‌اواین است که یك بودجه راکه میخواهند عایدات ومخارجش راتصویب کنند مجلس شروع‌می کند به تعیین خرج تاآخر سال‌که بودجه‌اش معلوم شود وعایدات معین است که از تمام اعتبارات‌تخمینیه چقدر وصول شده است آنصورت حساب را که می آورند بمجلس که مجلس رأی بدهد وبداندکه‌چطور عمل شده است آن صورت رامیگویند قانون تفریغ بودجه که عایدات قطعی‌است آن‌نتیجه تصویب‌تخمین مجلس رابطور قطعی میآورند وبمجلس‌میدهند) گفته شد صحیح است.)

حاج‌سیدابراهیم — دراینجا نوشته شده است سه راپورت سالیانه دیوان محاسبات درآن‌مورد قبل آیا تکلیفش معلوم شدکه آن چیزی راکه‌دیوان محاسبات میدهد آیا مفاصا است‌یاحکم خوب است. اینجا نوشته شود احکام دیوان محاسبات مستنداست وخود راپورت سالیانه اعمال دیوان محاسبات مدخلیت ندارد.

فهیم‌الملك — احکام دیوان محاسبات‌هیچ وقت بمجلس نمیآید دیوان‌محاسبات حسابهای‌محاسبین رایکی یکی رسیدگی کرده و حکمی میدهد آن احکام بمجلس نمیآید ونتیجه مخارج باید بیایدبمجلس درماده پیش نوشتیم راپورتی میدهد یکی این که راپورتهای وزراء را باآنها مطابقه میکنند یکی هم معایبی که بنظرش میرسد آنراهم درضمن آن‌راپورت باید بدهد بمجلس ولی احکامی راکه بمحاسبین داده است‌آن لزومی ندارد که بمجلس بیاید.

رئیس — رای میگیریم کسانی که با ماده ۵۴ بطوریکه خوانده شد موافقت دارند قیام نمایند اغلب قیام نمودند وبه اکثریت تصویب شد.

ماده ۴۱ ـ لایحه وزیر و ماده ۵۵ راپورت کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شدلایحه قانونی تفریغ بودجه بارعایت تقسیمات بفصول و مواد پیشنهادمجلس شورایملی خواهد شد.

رئیس — ملاحظهٔ دراین ماده نیست و حالا رای میگیریم کسانی که موافقند بااین ماده موافق راپورت کمیسیون قیام نمایند.

رئیس ـ تصویب شد.

ماده ۴۲ ازلایحه وزیر وماده ۵۲ راپورت کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شد.

صورتی که در تحت عنوان عایدات بلایحه‌قانونی راجعه به تفریغ معاملات هردوره عمل‌منظم خواهد شد مواد ذیل راناطق میباشد [۱] برآورد عایدات (ب) حقوق ثابته از بابت مالیات و عایدات عمومی (ج) وجوهاتی که وصول شده است (د) تتمه عایداتی که باید وصول شود.

حاج سید ابراهیم ـ در لایحه تفریغ بودجه دیگر تخمین ندارد بر آورد عایدات برای چیست برآوردعایدات محض معنی نداردبایدنوشت حقوق ثابته‌عایدات.

فهیم الملك ـ چون این لایحه قانونی راجع خواهد بود بآن بودجه که تخمین تصویب شده است آنچه عایدات باینطور مینویسد مثلا از بابت تذکر در ابتدای سنه تخمین‌تعیین شده‌بود صد هزارتومان بطور تخمین از برای مخارج‌معین شده است خود هزار تومان باقی مانده بطورتخمین فلان قدر.

حاج سید ابراهیم ـ بنده این عبارت را نفهمیدم معنی‌محاسبات این است که مثلا چون مامی دانیم اداره کمرك ماچقدر عایدات دارد ازاین‌جهت در ابتدای سنه یك مبلغی را تخمین میکنیم اما بعد از آنکه سنه مالیه گذشت دیگر تخمین معنی ندارد میدانیم چقدر عایدات ماشده است بعد از گذشتن سال دیگر نشده است تخمین چرامینویسید میدانیم چقدر از بابت حقوق ثابته دولت بوده است چقدر خرج شده و چقدر باقی مانده کم و زیاد تخمین یا عمل کرد باید معین شود مثلا در این‌سنه مالیه و دوره عمل باید معین شود که‌دوره عمل کرد داشتیم نه کرور مخارج این محقق است دیگر تخمین لازم نیست.

رئیس — ظاهراً ملاحظه دیگری نیست‌حالا رای میگیریم کسانیکه موافقند بامادہ ۵۶ مطابق راپورت کمیسیون قیام نمایند.

رئیس ـ باکثریت تصویب شد

ماده ۴۳ ـ لایحه وزیر قرائت شد که در راپورت‌کمیسیون ۵۷ شده بود بعبارت ذیل.

ماده۵۷ ـ درصورتیکه درتحت‌عنوان‌مخارج یا رعایت تقسیمات بفصول ومواد بلایحه قانونی راجعه بتفریغ معاملات هر دوره وعمل ضمیمه خواهد شد مراتب ذیل مصرح میباشد [۱] عبارت معینه[۲] حقوق ثابته دائنین دولت [۳] وجوه پرداخته شده [۴] تتمه مخارجیکه باید پرداخته شود.

حاج سید ابراهیم ـ اولا این‌لفظ مخارج چندان‌خوب‌نیست بایدنوشته شود وجوه‌مخارج‌دیگر اینکه در ماده ۵ که گذشت در آنجا نوشتیم اعتباراتی که در سال داده شده است کلا یا جزا آنچه موقع خرج پیدانکرده و حواله شده منتقل بدوره بعد میشود که چقدرش متعلق بسال بعداست همین طور که وجوه پرداخته شده را مینویسند

وجوهی هم که باید پرداخته شود باید بنویسند و اعتباراتی که باید بدوره بعد منتقل شود باید بنویسیم .

فهیم‌الملك - این مطلب که در ماده قبل ایراد فرمودند عایدات که تخمین شده معلوم‌میشود چقدر وصول نشده چقدر مصارف شده چقدر باقی مانده از روی همان شما ملتفت میشوید که چقدر مخارج کرده است وچقدر برداشت‌شده است‌اعتباراتی که مخارج نشده است باید برگردد مخارجی که شده است و پرداخته نشده است آنرا باید بودجه سال آینده برگردانده .

افتخارالواعظین - آن عبارت مراتب‌ذیل را مصرح باشدقانونی نیست نوشته شود بایدمطالب ذیلرا مصرح باشد .

رئیس - ملاحظه دیگری نیست حالا رای میگیریم کسانی که با ماده ۷ راپورت کمیسیون بطوری که قرائت شد موافقند قیام نمایند .

رئیس - باکثریت تصویب شد .

موادی که بکمیسیون ارجاع شده بود قرائت گردید .

ماده ۶ - اعتباراتی را که برای مخارج یك سنه مالیه معین‌شده است نباید مصرف مخارج سنه مالیه دیگر بنویسند .

محمد هاشم میرزا - بمناسبت‌لفظ «اعتبارات را» باید در آخر سطر بنویسند (بمصرف مخارج سنه مالیه دیگر برسانند) که لفظ (برسد) صحیح نیست وعبارت غلط میشود .

فهیم‌الملك - لفظ اعتباراتی را غلط است (اعتباراتی که) باید باشد آنوقت عبارت درست می شود .

رئیس - ملاحظه دیگری نیست گفتند خیر - حالا رای میگیریم کسانی که با ماده شش راپورت کمیسیون بطوری که خوانده شد موافقند قیام نمایند .

رئیس - باکثریت تصویب شد .

ماده ۲۰ بعبارت ذیل قرائت شد .

کلیه حقوق دیوانی بهراسم و رسم- که باشد باید در کتابچه علیحده مرتب شده جزو شعبه‌دیوان عمومیه ومستمریات‌تقاعدی وزارت مالیه باشد هریك ازصاحبان حقوق مزبورکه در ادارات دولتی‌مستخدم میشوندحقوق شخصی آنهاجزو مقرری‌اداری‌محسوب خواهد شد .

شیخ اسدالله - دراینجا مینویسد کلیه حقوق اداری باید منظم بشود بهراسم ورسم که باشد در کتابچه‌علیحده‌ولی‌اینجا مینویسد که‌درادارات‌دولتی مستخدم میشوند بنده نمیدانم یعنی‌چه منحصر کردن ادارات بادارات دولتی صحیح نیست بجهت اینکه ادارات ملتی هم درمملکت است ازقبیل انجمن‌های ایالتی وولایتی وخود مجلس شورای ملی‌هم ازاین قبیل است دربین‌اینهاهم اشخاصی هستند که دارای حقوق هستند تبعیض کردن ادارات یعنی چه بنده نمیدانم بنده عرض میکنم‌اگرما قانون کلی‌بنویسیم نبایدفرق‌بگذرایم باید کلیه‌اشخاصی که دارای حقوق هستند و درادارات مستخدم هستند وحقوق اداری هم میبرند داخل در همین ماده قانون باشند بجهت اینکه شاید ما یك روزی حقوق برای انجمن ها تصویب کردیم در این صورت آنها از این قانون مستثنی میشوند آنوقت نباید حقوق آنها در این کتابچه ثبت شود اشخاصی‌هم که درمجلس هستند همین حال را دارند یك‌عده هستندکه دارای حقوق دولتی هستند وازاینجا هم حقوق میگیرند این باید معلوم شودکه‌آنها جزو این قانون هستند یا خیر چرا ننوشته اند وتصریح نکرده اند و درصورتیکه جزء این قانون هستند چرا باید مستثنی باشند و خارج ازاین قانون باشند دراین قانون تمام مردم با هم مساوی هستند فرق نمی کند بین وکیل و غیروکیل .

حاج‌سید ابراهیم - بلی بنده هم موافقم ولی عرض‌میکنم که‌مجلس هم ازاین حیث‌ازادارات دولتی است بجهت اینکه دولت‌عبارت است ازهیئت حافظ مملکت‌و آن تمام قوارا شامل میشود هم قوه مقننه راهم قوه قضائیه راهم قوه اجرائیه‌را .

دکتر رضا خان - بنده عقیده‌ام این‌است که این عبارت طوری‌نوشته‌شود که شامل تمام‌اشخاصیکه حقوق‌اداری دارندبشود بطوریکه گفتند نمایندگان درمقابل قانون یاتمام افراد مملکت مساوی هستند بنده پیشنهاد کرده ام که یك‌جمله درآخر این ماده نوشته‌شود آنرا قرائت نمایند پیشنهاددکتر رضاخان بعبارت ذیل قرائت‌شد .

این بنده‌پیشنهاد میکنم که جزء آخر این‌ماده ۲۰ اینطور نوشته‌شود هر یك از صاحبان حقوق مزبور که‌درادارات دولتی مستخدم‌ویابسمت‌نمایندگی درمجلس مبعوث میشودحقوق‌شغل آنهاجزءمقرری اداری ونمایندگی محسوب‌خواهدشد .

محمدهاشم‌میرزا - دراین موضوع‌درهشت ماه‌قبل آقای دکتر اسمعیل خان پیشنهادی کرده بودند وجماعتی ازنمایندگان هم مهر کرده بودند وهنوزآن‌نگذشته اگر آن‌بگذرد بنده دیگرعرض ندارم و محتاج باین‌پیشنهادها نمیدانم قانون را و اگر بنباست که‌آن‌پیشنهاد بگذرد وهمین‌جاتکلیف معلوم شودبنده عرض میکنم همینطور که‌آقا شیخ اسدالله فرمودند شایدیك‌روزمابخواهم برای‌انجمنها حقوقی قرار بدهیم وحالا طوری آن عبارت نوشته شودکه شامل‌حال آنهادر آنموقع نشودپس بعقیده بنده‌عبارت‌باید طوری‌نوشته شودکه شامل تمام‌افراد متصوره‌آن‌بشود .

حاج آقا - بنده تصور میکنم‌این‌عبارتیکه نوشته شده هیچ نقص نداشته باشد و آقایانیکه پیشنهاد هم‌کرده بودند در کمیسیون هم بودند ومذاکرات هم در این‌باب درکمیسیون شده‌است واین عبارتیکه پیشنهاد شده است‌بسیار تمام است آقایانیکه میگویند کسانیکه در مجلس هستند باید حقوق آنها در جزو حقوق مجلسشان محسوب شود باید ملتفت باشندکه قوای مملکت بسه قسم‌تقسیم شده است قوه‌مقننه قوه مجریه قوه قضائیه و اینکه بنده عرض‌میکنم عبارت جامع‌است بجهت اینکه‌در آنجا نوشته‌شده مستخدمین ادارات دولتی و دولت عبارت است‌از این سه‌قوه واین عبارت جامعی‌است آقایانیکه میفرمایند کسانیکه درمجلس هستندحقوق شخصی آنهاباید جزء حقوق اداری آنها محسوب شود همینطور شدو همینطور هم عمل کرده‌اند ودر این‌عبارت تصور نمیکنم چیزی ناقص باشد و اگر بخواهند چیزی از اوکم کنند یابیفزایند بازناقص میشود این معین است همینطوریکه قوای مجریه و قضائیه نگهداردوائر دولتی ومملکتی است‌همینطور است قوه مقننه این را کسانیکه متصدی امورند میدانند وتخفیفی هم‌باین مطلب‌نمیدهند همچنانکه در حق مستخدمین مجلس هم همینطور محسوب شده است .

آقامیرزااحمد بنده دراساس‌مطلب‌همراهم ولی لفظ ادارات دولتی شامل حال مجلس نمیشود مجلس‌را اداره دولتی نمیگویند اگر لفظ دیگری گذاشته شودبجای‌آن بهتراست .

حاج عزالممالك - بنده گمان میکنم عبارت ازدولت شامل حال همه ادارات باشد بجهت اینکه هر کسی ازدولت موظف شد درمقابل‌خدمت اوجزءادارات دولتی محسوب میشود خواه‌درادارات دیگرباشد یادرمجلس .

آقا شیخ اسدالله - اینجا مذاکره میشود که این عبارت شامل مجلس شورای ملی است و مذاکرات معلوم میشود لفظی است‌نه معنوی بنده عرض میکنم حالا که داریم مذاکره میکنیم ورای میگیریم‌بعضی میگویند که شامل مجلس هست‌بعضی میگویند شامل نیست درصورتیکه بین خودمان در یك چنین موقعی مطلب محرز نیست چگونه خواهد بود حال آیندگان وآنها چه خواهندفهمید

افتخار الواعظین - اولا عرض‌میکنم در جواب‌آقای‌آقا شیخ‌اسدالله که اینکه میفرمایندشاید یك روزی برای اعضای انجمن‌ها وبلدیه‌حقوق‌قرار بدهیم این‌عبارت‌شامل حال آنها نمیشود بنده عرض میکنم‌ما برای‌اعضای‌انجمنها وبلدیه‌حقوق‌قرارنخواهیم داد وبآنها حقوق داده نخواهد شد اما درخصوص این ماده که اشتباهی در این لفظ درآیند خوانده شد یاخیر بنده تصور میکنم جای اشتباه نباشد بجهت اینکه ادارات دولتی شامل مجلس شورای ملی نخواهد شد اگر درخارج کسی بگویداعضاء واجزای‌ادارات دولتی کیانند بهیچوجه بذهن‌مخاطب نمایندگان‌ملت نخواهد آمد معنا در دوذهن‌نیستند ولواینکه مجلس و قوه مقننه یکی از قوای ثلاثه مملکت است پس اگر اختلافی دراین نیست که حقوق شخصی نمایندگان جزء حقوق اداری آنها محسوب شود خوب است نوشته شود صاحبان‌حقوق که درادارات دولتی مستخدم میشوند و نمایندگان حقون شغل‌آنها جزء مقرری اداری دولتی‌محسوب خواهد شد که مخصوصا نمایندگان قید شود و الا بلفظ درادارات‌دولتی مستخدم‌میشوندشامل‌نمایندگان نخواهد بود پیشنهادی درین باب ازحاج شیخ‌علی خراسانی قرائت شد .

بهبهت - اینجا دو مطلب است یکی اساسی است یکی راجع باصلاح عبارتی است آنکه‌اساسی است این است که حقوق شخص نمایندگان هم مثل سایر مستخدمین ادارات جزء حقوق اداری آنها محسوب شود حق این است که باید بشود بجهت اینکه تفاوتی در قانون نیست و بینی بین‌الله فرق گذاشتن بین دونفر بی جهت ازانصاف دور است و اما درخصوص اصلاح عبارت همینقدر اول لفظ خدمات دولت کافی است بجهت اینکه خدمات نمایندگان‌هم راجع بدولت است واین خدمت‌دولتی است یك اصلاح دیگری هم درعبارت لازم و آن این است که چون ممکن است حقوق دیوانی‌یکی زیادتر ازحقوق اداری او باشد واستثناء کل از جزء هم غلط است باید طوری نوشته شود که صحیح‌باشد مثلا نوشته‌شود حقوقشان درجزومحسوب خواهد شد بجهت اینکه ممکن است حقوق‌شخصی بعضی دویست تومان باشد وحقوق مجلس را که میگیرند صدتومان است باید نوشته شود درضمن محسوب خواهد شد ویك کلمه دیگر هم لازم‌است نوشته شودکه این حقوق شخصی‌مادامی که‌آنشخص داخل خدمت است محسوب خواهد شد وقتی که از خدمت خارج شدند حقوق شخصی آنها کاملا بآنها داده خواهد شد .

حاج‌سیدنصرالله - همین طوریکه گفته شد ادارات دولتی شامل مجلس نمی‌شود واینهم‌که گفته شد وکلا مادامی که اینجا هستند حقوق شخصیشان جزء حقوق اداری‌احتساب شود من‌قبول ندارم بجهت اینکه مدت خدمت وکالت محدوداست اولا عرض کنم که من یکشاهی حقوق ندارم ولی این را صحیح نمی‌دانم وصحیح نیست واین هم یك نغمه جدیدی است که مارا واداشته که خود را در زحمت نیندازیم واین مسئله وادارخواهد کردبعضی اشخاصی را که ما از وجود آنها درمجلس امتناع خواهیم‌برد وآنهانمیتوانند بااین‌ماده پست‌نمایندگی را قبول کنند وخیلی بجای فایده ازوضع این‌ماده زیان میبریم من هیچ این را صلاح نمیدانم .

معزالملك - بنده موافقم باآقا بعدازیك مخالف عرض دارم .

آقاشیخ‌غلامحسین - اولا عرض می کنم قانون باید خوب واضح نوشته شودکه بعدهااسباب خدعه نشود ثانیا اینکه بنده بکلی برخلاف آقای حاج سید نصرالله عقیده دارم من نمیدانم چطور این صحیح است‌که فراش‌که ماهی نه تومان مواجب اداری دارد وسالی بیست تومان حقوق‌شخصی‌دارد آن بیست تومان ازحقوق اداری آن کسر شود ولی‌نماینده که‌ماهی‌صدتومان حقوق‌شخصی‌داردوحقوق دولتی هم دارد آن صدتومان باحقوق اداری آن محسوب نشود و بنده این عبارت را هم کافی نمیدانم بعلت اینکه وقتی‌که بودجه چهار ماهه رفت به‌کمیسیون قرار گذاشت‌که‌همین‌در واقع با آن‌جرح وتعدیلی‌که کمیسیون دربودجه‌کرده بود عمل شود که حقوق مستخدمین ادارت جزء حقوق اداری‌آنها محسوب شود وهمین طورهم عمل شده است چه‌در مستخدمین ادارات وچه درباره نمایندگان که‌حقوق دیوانی نمایندگان‌هم جزء حقوق اداریشان‌محسوب شده وآقای کیخسرو شاهد عرض‌بنده هستندواطلاع دارم که حکام ولایات حقوق شخصی خودشان را گرفته‌اندوحقوق اداره‌هم‌داشتند آنرا هم گرفته‌اند از این جهت بنده تکلیف میکنم که ماده بعنوان تنبه نوشته شودکه این ماده شامل نمایندگان ملت‌و وزراء دولت میشود .

معزالملك - بنده‌مخالف هستم‌باظهاراتی که میشودکه حقوق‌شخصی‌وکلاء جزء حقوق‌اداری آنها محسوب شود اولا اگر ما بخواهیم مقایسه کنیم‌نمایندگان‌را بفراش‌گمان نمیکنم صحیح‌باشد فقط ما میتوانیم‌نمایندگان‌رامقایسه کنیم‌بامستخدمین ادارات ودرادارات‌شغلی‌که بکسی میدهنددرادارات ترتیب حقوق طوری‌است‌که هر کس بستگی پیدا کرد بآنجا دیگر میداندکه سالها درآنجاهست وحقوق او درجه بدرجه بالا میرود وهررتبه‌که دارد حقوقی‌که باو میدهند کفایت مخارج اورا درآن رتبه میکند درصورتی‌که نمایندگی اینطور نیست بعلاوه باید گفت حقوق اداری دائمی است وحقوق نمایندگی دردوسال‌است وحقوق اداری دائمی‌است وترفیع رتبه هم‌دارد وحقوق نمایندگان مساوی‌است ترفیع رتبه‌هم ندارند بدون اینکه معین شود اینها چه اشخاصی هستند وبدیهی‌است بخارج نمایندگان هم متفاوت است بعضی از نمایندگان هستند که مخارجشان شاید سه مقابل‌دیگران باشد ویا آن حقوقی که‌میگیرندازمجلس نمیتوانند رفع‌احتیاجاتشان را بنمایدوبدین جهت‌ممکن‌است با حقوق‌شخصی‌شان یك طوری‌بگذرانددرصورتی که ما بگوئیم‌حقوق شخصی شان را درجزء حقوق نمایندگی محسوب دارند شاید باین واسطه بعضی عناصر خوب که ما ازآنها استفاده میکنیم مجبور شوند که بواسطه ضیق مالیه خارج شوند واین خیلی بداست ما در هرصورت باید سعی کنیم‌که از مجلس ما بیرون نرود اگرچه میدانم این عقیده دراقلیت خواهد بود وعقیده طرف مخالف غلبه خواهد کرد لیکن عرض میکنم خوب بودکه باین عجله دریك‌چنین پیشنهادی که فوری میشود رأی نگیرند .

حاج سید ابراهیم — بنده عرض می کنم قانونی که درمملکت مینویسیم‌وقتی موجب ترقی‌مملکت میشودکه تعمیم داشته باشد احکام الهی مخصوص نمی شود واگر به بینیم حکمی مخصوصی میشود میتوانیم بگوئیم این حکم الهی نیست حکم الهی وقتی می شودکه تعمیم داشته باشد تمام مردم مساوی هستند و هیچ تفاوتی ندارد بنده مقایسه نمیکنم نماینده را با فراش مقایسه میکنم نماینده را با یك صاحب منصب یاور میرپنج امنیه که امروز فلان راه را باو میدهند که تأمین بدهد آنجاراشب وروز جلوی گلوله میرود ودر زحمت است ماهی صد تومان میگرد و مخارج خودش خانواده اش مهتر و علیق سایر لوازم را هم باید ازاین ماهی صدتومان بدهد آنوقت اگر یك حقوق دولتی داشته باشد آنهم باید درجزو این ماهی صد تومان کسر شود آنوقت می گوئیم نماینده که ماهی صد تومان حقوق میگیرد حقوق دیوانی او کسر شود این سزوار نیست و آقای معزز الملك گفتند بعضی عناصرخوب است ممکن است بواسطه اینکه‌حقوق دولتی آنها جزوحقوق اداریشان‌محسوب شود خارج شوند بنده این را ردمیکنم وعرض میکنم عنصر خوب آن است‌که به زحمت خود راضی باشد از برای اینکه بمملکت خودش خدمت کند نه اینکه طالب این باشد که ازاین راه معاشش سهلتر بگذرد خود نمایندگان هم این نظررا باید داشته باشند که آنها که در ادارات دولتی خدمت میکنند چیزی غیر از آن‌حقوقی که ازدولت میگیرند ندارندامانمایندگان درمقابل خدمتی که بملت میکنند همان حسن ظنی‌است که ملت بآنها دارد بالاترین چیزها است وآنها را کافی‌است وبایدخیلی افتخار داشته باشند بنده‌ما متدعا میکنم که آقایان نمایندگان بمنتهی درجه ضیق رفتار کنند ومکافاتشان را از ملت همان حسن ظنی را بخواهندکه بالاترین شرف است واینکه‌آقای معزز الملك گفتند که خدمت نمایندگان دائمی نیست‌وخدمت اعضاء ادارات دولتی دائمی است بنده عرض می کنم دربین خدمتگذاران ادارات دولتی اغلب اشخاصی هستند که داخل یك اداره که میشوند یقین ندارند که تاسه ماه دیگر در آنجا باشند اغلب دوماه سه ماه بیشتر در ادارات نیستند لااقل نمایندگان دوسال که درخدمت بملت درمجلس هستند پس چرا بایدحقوق دولتی آنها درضمن حقوق اداری آنها محسوب شود وحقوق شخصی نمایندگان در ضمن حقوق اداریشان محسوب نشود علاوه براین بنده استدعا کردم که قدری تخفیف درمخارجشان بدهند و قدری زحمت خودشان راترجیح ندهند بر تبعیض قانون پیشنهادی کرده‌ام آنرا بخوانند .

پیشنهاد حاجی سید ابراهیم بعبارت ذیل قرائت شد . بنده پیشنهاد میکنم‌که بعوض ذیل ماده از لفظ هریك ازصاحبان نوشته شود هریك ازصاحبان حقوق شخصی‌که در ادارات وخدمات دولتی هستند حقوق شخصی آنها مادامی‌که در اداره هستند جزء مقرری آنها محسوب خواهدشد - ابراهیم الموسوی .

پیشنهادی از محمد هاشم میرزا بعبارت ذیل قرائت شد .

پیشنهاد میکنم هریك از صاحبان حقوق‌که داخل‌در اجزاء هریك‌ازقوای مملکت می‌شوند حقوق شخص آنها جزو مقرری آنها محسوب خواهد بود .

آقا شیخ ابراهیم - بنده عرض میکنم که شبهه رفع شود هرکس بسمت نمایندگی منتخب می‌شود و دارای حقوق شخصی است خارج از این سه قسم نیست یا حقوق شخصی او با حقوق نمایندگی او مساویست فرقی نکرده است مثلا نماینده‌ماهی‌صد تومان وسالی هزارو دویست‌تومان حقوق نمایندگی دارد وقبل‌از نمایندگی‌این شخص سالی هزار و دویست تومان حقوق شخصی داشته است بااینکه کمتر است مثلا هشتصد تومان حقوق شخصی قبل از نمایندگی داشته بعد در نمایندگی چهارصد تومان هم اضافه میگیرد ازبرای این‌بهتر می‌شود یااینکه دوهزار تومان حقوق شخصی فرضاً داشته‌وهزار ودویست‌تومان حقوق نمایندگی‌میگیرد در اینصورت هزارو دویست تومان آنهاست حقوق نمایندگی محسوب می‌شود وهشتصد تومانهم‌علاوه

میگیرد پس ضرری نیست که میگویند این خدمت مترقی است بعداز اینکه دوره وکالت هم سر رفت بازهمان حقوق سابقش را میگیرد و اینکه آقای مفرزالملك گفتند بعضی عناصر خوب است که اگر حقوق‌شخصی آنها جزء حقوق اداری آنهامحسوب شود نمی آیند بمجلس من چنین عنصری اصلا در این مملکت سراغ ندارم بلکه هستند بعضی ها که می‌آیند خدمت میکنند وهیچ هم نمیگیرند .

محمدهاشم‌میرزا - مقصود از پیشنهاد بنده این‌بود که چون لفظ ادارات دولتی شامل‌نبود باین‌جهت بنده‌پیشنهادکرده‌ام‌که شامل نمایندگان هم بشود و چون اذهان بدین مطلب مسبوق است گمان میکنم هر قدرمذاکره کنیم بی‌نتیجه باشد و مطلب کشف نشود بهتر این است‌که بپیشنهاد ها رای گرفته شود اگر پیشنهادهائی‌که شده است رد شد بازمذاکره شود و مقصودبنده این بودکه‌چون کلیه‌ادارات شامل‌نبود ازاینجهت پیشنهاد کردم‌کلمه نوشته شود که جامع باشد .

آقا محمد بروجردی - بنده ابتدارسماً عرض می‌کنم که بنده هم حقوق ندارم شاهد بنده هم دفاتر مالیه است ولی عرض میکنم که در اینکه گفته شد نماینده بافراش مساوی است و مقایسه با فراش کرد صحیح است از حیث اینکه او یك نفر از افراد ملت است ولی یك فرق بین نماینده و سایر افراد مستخدمین ادارات هست‌وآن این است که اغلب نمایندگان از ولایات و ایالات میآیند و هر کدام ده دوازده نفر عیالات دارند و آنها را باید در محل خودشان مخارج بدهند بعلاوه یك مخارجی که مقتضی شأن وکالت است در اینجا لازم‌دارند در اینصورت اگر بعضی از آنها یك حقوقی از دولت داشته باشند بخواهند کسر کنند از حقوق نمایندگی آنهاشاید نتوانند گذران کنند و اینکه‌مقایسه کردند نماینده‌رایاجزاءمحترم ادارات نمی‌خواهم عرض بکنم که آنها درخانهای خود هستند و خدمت میکنند ولی اینها باید یك مخارجی در طهران بکنند پس این قیاس تمام نیست .

متین‌السلطنه — ازمذاکرات چنین معلوم می‌شودکه اذهان آقایان متوجه باین مطلب‌نبوده است که این عبارت شامل خدمات ملی هم میشود یا خیر و چون پیشنهاد های زیاد هم شده است تصور میکنم اگر حالا بدون اینکه فور دراصل مطلب بکنم و اطراف مطلب را با دقت ملاحظه کنیم در آتیه دچار بعضی محظورات و اشکالات خواهیم شدبنده تصور میکنم‌اگر آقای مخبر تقاضا فرمایند که این ماده بکمیسیون بر گردد و در آنجا ملاحظات دقیقه بشود و پیشنهاد ها را هم ملاحظه فرمایند بعد مطلب پخته شده به مجلس بر گردد بهتر باشدوآنوقت‌ازروی‌بصیرت‌رای‌میدهیم .

حسنعلی‌خان — بنده بطور اختصارعرض میکنم این مسئله که در اینجا ذکر می‌شوداساسی است بنده هم این عقیده را دارم که قانون باید عمومیت داشته باشد لیکن این مذاکره که دراین موقع می‌شود بی‌محل است‌ما نباید در ضمن اینکه این قانون را وضع میکنیم بیائیم این مطلب را مذاکره کنیم که‌وکیل حقوق میگیرد و حقوقش در ضمن حقوق شخصی او باید محسوب شود در اغلب از ممالك وکلا ابداً حقوق نمیگیرند درانگلستان نمایندگان حقوق‌نمی گیرند بنده عرض میکنم‌دکتر اسماعیل خان در این خصوص پیشنهادی کرده و بکمیسیون قوانین مالیه هم رفته یك روزی آن پیشنهاد را جزو دستور میکنند و با دقت تمام در روی آن صحبت کنید و نظریات خودتان را اظهار بداریدهر چه مجلس رای داددر آن همانطورعمل می‌شود اما اینکه حالا در ضمن قانون دیگری آن مذاکره بشود و یك رای بدهم بنده آنرابهیچوجه صحیح نمیدانم .

رئیس - حالا دراین پیشنهادیکه شده‌است رای می گیریم .

بعضی اظهار کردندنبایدرای گرفت‌باید‌پیشنهاد ها برود کمیسیون .

رئیس — در هرصورت پیشنهادهامیرود بکمیسیون حالادر قابلیت توجه این پیشنهادهارای می گیریم اگر قابل‌توجه شدمیرود بکمیسیون‌حالا پیشنهاددکتر رضاخان قرائت‌می‌شود .

شروع بقرائت پیشنهاد دکتر رضا خان‌شد دراین موقع دکتر اسمعیل خان‌وارد مجلس گردید .

دکتراسمعیل‌خان— باین‌پیشنهاد نمیشود رای گرفت .

رئیس - چرا

دکتراسمعیل‌خان-این‌پیشنهادبه‌عین‌پیشنهاد بنده‌است که‌در یك سال قبل پیشنهاد کردم ورفت به کمیسیون قوانین مالیه که رای خودشانرا اظهار بدارند حالا اگر رای میگیرندبهمان‌رای‌بگیرید .

رئیس — این‌منافاتی باآن پیشنهاد سابق‌الی ندارد این‌یك پیشنهادی است شده است حالا باید باو رای گرفت .

وحیدالملك - بنده این مسئله راخارج از موضوع میدانم بجهت اینکه آقایان‌تصور میکنند که‌این مسئله یکی‌ازاول مسائل (دموکراتی) است که آنقدر سختی میکنند و این اینطور نیست بنده وکلای ملت را جزء مستخدمین دولت نمیدانم وبر حسب ترتیب وقوانین تمام‌دول متمدنه حاضرم ثابت و مدلل کنم که نمایندگان جزء مستخدمین دولت نیستند آیا قانون ارتقای‌رتبه‌که درحق مستخدمین دولت جاری خواهد بود یا خیر در صورتیکه این یکی‌از قوانین مهمه مشروطیت‌است که‌مستخدم‌دولتی بایداز روی آن‌ارتقاء رتبه وشأن پیدا کند وحقوق مرتبه بالاتری را دارا بشود امابه وکلای ملت این قانون شامل‌میشود یانمیشوداین‌را جواب بدهید اگر این‌راجواب ندهند معلوم‌میشود که‌ماجزومستخدمین دولت‌محسوب‌میشویم یاجزءمستخدمین ملت‌درجواب آقایانیکه‌میگویند قوه‌مقننه‌یکی‌از قوای ثلاثه‌است بنده‌عرض‌میکنم‌صحیح‌است ولی‌قوه‌مقننه یکی‌ازقوای ثلاثه‌است بنده‌هم همین را میگویم قوه مقننه یعنی پارلمان پارلمان یکی از قوای دولتی محسوب میشود اما هریك ازآقایان‌یکی‌از قوای ثلاثه‌دولتی محسوب نمیشوند وهیچ‌یك از آقایان یکان یکان پارلمان نیستند وقتیکه دور هم جمع شدیم یاآن شرایط وترتیب مخصوص پارلمان تشکیل میشود و جزء قوای دولتی میشود واین یك‌مسئله مهمی‌است وآن وقتیکه طرح آقای دکتراسمعیل خان آمدبه مجلس همین مسئله گفتگوشد که اگر نمایندگان جزو مستخدمین ادارات دولتی‌هستند دراغلب جاها بوکیل‌حقوق‌نمیدهند درپارلمان‌انگلیس وکلاحقوق نمیگیرند شما هم‌ماهی صدتومان رابگیرید آنوقت معلوم میشود که‌پارلمان‌جزءادارات دولتی‌است‌رشما جزء مستخدمین دولت‌هستید یاخیر .

رئیس - حالا مذاکرات بقدرکفایت شده است در پیشنهاد ها رای میگیریم کسانیکه‌تصویب میکنند پیشنهاد دکتر رضا خان را قیام نمایند .

فهیم‌الملك - اینجا در قانون محاسبات عمومی مذاکره و شور می‌شود یك مطلبی‌که غیراز چیزی است‌که مادر آنیم جزء شده اینست‌که دچار این اشکال شده ایم وقتیکه دراین ماده شور دویم بعمل می‌آید بنده گرفتاری داشتم ونتوانستم بیایم معلوم می‌شود که درست مقصود از مندرج‌کردن این ماده ذکر شده است این ماده برای این‌ذکر شده است‌که در وقت آمدن بودجه های موقتی به مجلس بعضی مخارج بشودکه هیچ ربطی بادارات نداشت داخل دربودجه ها بشود ازقبیل حقوق‌بعضی زنها و صغارکه بوسیله جزء آن وزارت خانه کرده بودند چون راهی داشتندکه حقوقشان درآن اداره‌سهل‌تروصول‌می‌شده‌است ماخواستیم کهمن بعد این طور نشود سپردیم بوزارتخانها که بودجه‌هائی که بعد به مجلس می آید باید فقط دارای حقوق اداری باشد نه حقوق اشخاص تا دولت بداند که برای بعد از این خودش چقدر پول از برای فلان اداره لازم دارند لکن یك محظوراتی پیش آمد که معاون وزیر مالیه آمد درکمیسیون و مذاکره کردیم قرار شد بطور دوسه ماده در آخر قانون نوشته شود این بود که نوشته شده بودکلیه اشخاصی مرجع خدمات دولتی‌نیستند حقوق آنهاراازادارات بیرون بیاورند وبجای دیگرثبت وضبط نمایندکه حقوق هر اداره منحصر شود بحقوق اجزاء خود وزارت خانه ونظر دیگر این بود که آن مخارج همه ساله لازم نیست که جزء بودجه همه ساله بیاید بمجلس ورای گرفته شود یك سال که آمد وتصویب شد تصویب شده است دیگردر سالهای آتیه تمام آنرا نمی آورند به مجلس در هر سال تغیراتیکه پیدا شده است می‌آورند فرض اینست که قرار شد اشخاصیکه دارای حقوق شخصی هستند حقوق‌آنها جزء دیون عمومیه ثبت شود واین نتیجه نداردبجز اینکه یك زحمتی فون‌العاده حاصل می‌شودومقصود اصلی‌بدست نمی‌آید بجهت اینکه اشخاصیکه‌دارای حقوق اداری هستند وحقوق شخصی هم دارند بعد از آنکه بتاشد که حقوق اداری آنها علیحده ثبت شود حقوق اداری را هم بگیرند هروقت از اداره خارج شدند بروند درآنجائیکه دیون عمومیه ثبت می شود اسم خودشانرا ثبت کنند یادر موقع ورود باداره اسم خودشانرا حك کنند و این خیلی

تولید اشکال می کردد بعلاوه مقصود اصلی کاملا بعمل نمیآید در این جا مذاکره شد اینطور قرار دادند که هریك از مستخدمین ادارات حقون شخصی‌شان جزء حقوق اداری محسوب شود وحالا یك مطلب دیگری ضمناً داخل شده است بنده تقاضا میکنم که این ماده بهمین قسم می گذرد آنوقت آن طرح آقای دکتر اسمعیل خان هم در کمیسیون قوانین مالیه هست آنهم بمجلس میآید قرار قطعی اینکار دراین موقع داده می‌شود واینطور هم نیست که کمیسیون آن طرح رامطرح مذاکره قرار نداده باشد درآن‌طرح مذاکرات بعمل آمده اینکه‌اوعقب افتاده است بجهت این بود که این قانون محاسبات عمومی راجلو انداختندآن ماند وآن خواهدبمجلس آمد آقایان‌هم اذهان خودرا حاضر میکنند هرتوضیحی که لازم است درآنجا بعمل میآید حالا اولا خوبست به پیشنهادها رأی می گیریم اگرپیشنهادها قابل توجه شد که بکمیسیون رجوع میکنیم اگرقابل توجه نشد که بماده رأی می گیریم و چیزی ازدست ما نرفته در رایورت کمیسیون درپیشنهاد آقای دکتراسمعیل خان آن مذاکرات رامیکنیم.

رئیس — حالا رأی میگیریم به پیشنهادها.

پیشنهاد آقای حاج سید ابراهیم قرائت شد.

رئیس — کسانی که با این پیشنهاد موافقند قیام نمایند.

رئیس — اکثریت حاصل نشد حالارأی می گیریم به پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا کسانیکه موافقند قیام نمایند (رد شد).

پیشنهادی از آقا میرزا رضاخان نائینی قرائت شد بعبارت ذیل.

بنده پیشنهاد میکنم بعوض هریك از صاحبان حقوق الخ نوشته شود هریك از صاحباق حقوق که‌در یکی از دوائر ثلثه و شعبات آن ها موظفند حقوق شخصی آنها جزو مقرری اداری محسوب خواهد شد (توضیح) عموم وزراء وحکام و اعضاء انجمن ها هرگاه حقوقی برای آنها مقررشود از این قانون مستثنی نخواهند بود (رضا الطباطبائی).

رئیس - دراین پیشنهاد رأی میگیریم کسانی که موافقند قیام نمایند (ردشد).

پیشنهادی آقاشیخ غلامحسین نموده بودندبقرار ذیل قرائت شد.

بنده تقاضا میکنم در ذیل ماده ۲۰ تنبیه ذیل افزوده شود.

تبصره - ماده فوق شامل عموم ارباب حقوق‌می شود حتی وزراء ونمایندگان ملت شیخ (غلامحسین).

رئیس — رأی میگیریم باین پیشنهاد کسانی که موافقند باین پیشنهاد قیام نمایند (ردشد).

رئیس — این پیشنهاد هائی که شده است‌در هیچ کدام اکثریت حاصل نشد پس حالارأی میگیریم بخود ماده.

وحیدالملك — بنده عرضی که کردم‌راجع باین بود که وکلاء مستخدمین دولت نیستند عرض نکردم که حقوقشان‌جزء حق نمایندگی محسوب‌بشود یانشود یااصلا بآنها حقون بدهید یاندهید بنده عرض می کنم اگر وکلا جزء مستخدمین دولت بودندقانون اساسی بعضی حقوق وامتیازات ازبرای آنها معین نمی کرد.

ادیب التجار — باز متحیریم که‌چطور رأی بدهیم بنویسید که کلیه حقوق دولتی من نمی دانم این شامل حال نمایندگان میشود یانمیشود بنده باید این را بفهمم اگر پول پول ملت است و در وجه مدد معاش نمایندگان میدهند وبتوسط وزارت‌مالیه داده میشود واز عایدات دولتی ومالی داده می شود که باید حقوق شخصی نمایندگان هم مثل سایرارباب حقوق درمقابل این پولی که اینها می گیرند محسوب شود واگر این پولی که بعنوان حقوق نمایندگی به آنها داده میشودازمال وعایدات ملتی ومملکتی‌نیست واز مالیه دولت نیست و بتوسط وزارت مالیه به‌آنها داده نمیشود در آن صورت بنده عرض ندارم هم این را بگیرند هم حقوق شخصی خودشان رابگیرند بنده عرض می کنم کسی که واضع قانون است اول باید قانون را در حق خودش مجری بدارد بعد برای سایرین.

حاج‌سیدنصرالله — اینکه فرمودندقانون تخصیص بردار نیست صحیح‌است‌ولی این را هم‌باید بدانیم که‌گرچه دولت عبارت‌است ازقوه مقننه و قضائیه واجرائیه و قوه مقننه مقوم قوه مجریه و قضائیه است مجلس در طول اینها واقع است نه‌در عرض بطوریکه جناب وحیدالملك گفتنداین‌مجلس جزو ادارات دولتی نیست مجلس خیلی مزایا دارد که‌درسایر ادارات‌نیست‌نمایندگان خیلی مزایادارند که‌درسایر مردم نیست‌وکلای مجلس مستخدم‌دولتی نیستند این هیچ ربطی بادارات‌دولتی ندارد واگر شما قدری تامل بفرمائید این‌اشتباه رفع‌خواهدشد قانون درعمومیت‌خودش باقی‌است.

دکتررضاخان - اولا بنده عرض‌می‌کنم بنده یکی از اعضای کمیسیون هستم وآن ماده که درکمیسیون نوشته شده این‌آن‌ماده نیست‌جزء اخیرش تغیر کرده است‌ثانیاًاینکه اگر بناشدبگویند این قانون لازم نیست بنده‌عرض می کنم پس جزء اخیراین را بردارند آنهم لازم نیست والا چطور ما می‌توانیم یك قانونی را دراینجا رأی بدهیم و استثناء بکنیم درحق وکیل در صورتیکه وکیل هیچ تفاوتی باسایرین ندارد این‌وکیل که صاحب حقوق است تصادفی کرده وکیل‌هم شده حالا باید قانون رادرحق او استثناء کنند درصورتیکه حقیر تراز وکلا هستند که‌حق‌نداشته‌اند این یك‌تقصیری برای آنها نیست ویك ترتیبی برای اینها تصادفی است که‌صاحب حقوق‌وکیل شده‌است وتمام‌افراد مملکت درمقابل‌قانون‌باهم‌مساوی هستند ودراینجا می‌خواهید قانونی وضع کنید که‌باوکلاء یا سایر مردم دیگر مساوی‌نیستند سهل‌است دربین‌خودشان هم تفاوت حاصل می‌شود وبنده عقیده‌ام این است که‌جزء اخیر کمیسیون‌مذاکره نشده افزوده‌شده‌است

فهیم‌الملك - آقای دکتر رضاخان چون قدری تندشدند درضمن قدری به‌مخبر کمیسیون و بخود کمیسیون توهین کردند نمی‌دانم چطورمی‌گویند که‌جزء اخیرهم افزوده شده‌است کی‌افزود

حاج‌سیدابراهیم — بنده از آقای حاج سیدنصرالله‌خیلی‌تعجب میکنم که می‌فرمایندمجلس جزء ادارات دولتی‌نیست و حال اینکه دولت‌مرکب است ازقوای ثلثه قبول دارم که‌قوه مقننه شرافت و مزیت دارد وکالت شرافت دارد ولی اینها ربطی ندارد باینکه مجلس‌جزء ادارات نباشد بنده عرض میکنم تامعلوم‌شود که ادارات دولتی‌شامل مجلس می‌شود یانمیشود نمیتوانیم‌رأی بدهیم.

رئیس - حالا یك ربع‌تنفس‌است

بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل شده ماده ۲۰ رایورت کمیسیون را آقای میرزا مرتضی قلی خان قرائت نمود پس از آن پیشنهاد ذیل بامضاء جمعی از نمایندگان خوانده شد بنده پیشنهاد می کنم ماده بیستم تا کلمه (وزارت مالیه باشد) اکتفا شود مابقی‌باشد تاطرح دکتراسمعیل خان‌به مجلس بیاید ومطرح شده‌تکلیف معلوم‌شود (حاج سید ابراهیم و ۱۴ نفر دیگر.

رئیس — در واقع پیشنهاد کرده‌اندکه یك‌قسمتی از این‌ماده‌حذف‌شودماده مزبوربطوریکه پیشنهاد شده‌بود بحذف مابقی قرائت‌شد.

ماده ۲۰ — کلیه حقوق دیوانی بهراسم و رسم‌که باشد باید در کتابچه علیحده مرتب شده جزء شعبه دیوان عمومیه‌ومستمریات تعاعدی‌وزارت مالیه باشد.

رئیس - رأی میگیریم در این ماده با این تصرفی‌که شده است کسانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام‌نمودند)

ماده ۲۱ رایورت کمیسیون از قرار ذیل قرائت شد.

شعبه دیون عمومیه در مقابل وزارت مالیه مسئول اجرا وتطبیق قوانین مختلفه بحقوق مزبور خواهد بود هرسال یك حساب سالیانه ازاضافات و موضوعات که‌در عرض آن‌سال بدفتر کل واردشده بدفتر محاسبات کل ودیون محاسبات خواهدبود

رئیس — پس رأی میگیریم کسانیکه‌باین ماده بطوریکه خوانده شد موافقت‌دارند قیام نمایند (اغلب‌قیام نمودند)

ماده ۲۲ — رایورت کمیسیون بقرار ذیل قرائت شد.

حقوق‌مذکوره درماده ۲۱ پس‌ازطبع‌وتوزیع بودجه سال اول درآتیه همه‌ساله بشرح و جزء در بودجه قلمداد نشده فقط میزان کل آن یا تعیین تفاوتی‌که نسبت بسال قبل حاصل شده است درج خواهد گردید.

حاج سید ابراهیم — اینجا نوشته است پس ازطبع وتوزیع بودجه سال اول درست واضح نیست خوب است اینطور نوشته شود که پس از طبع و توزیع بودجه در سال اول یك لفظ (در) می خواهد.

افتخارالواعظین — گویا آقای حاج سید ابراهیم تقاضا کرده‌اند درسال اول تمام این حقوقی‌که جزء شعبه دیون عمومی‌شده است قلم به قلم وجزء بجزء شرح‌داده خواهد شد آنوقت جمع آن‌که مثلا پنج کرور می شود از بودجه سال آتیه قید می‌شود دیگر جزء بجزء بطوریکه در بودجه سال اول شرح داده نشده است نوشته نخواهد شد که فلان چقدر وفلان‌چقدر همین قدریك قلم نوشته میشودکه تمام‌حقوق دیوانی که‌خارج از ادارات‌هستند

www.iran-archive.com

درهذه‌السنه پنج کرور است مگر اینکه یکی از آن ارباب حقوق فوت کرده باشد یاحقوق جدیدی بکسوداده شده باشدکه آن تفاوت هارا جزء بجزء شرح خواهند داد والاسایرین را یك قلم خواهند نوشت که کلیه حقوقیکه جزء شعبه دیون عمومی‌است چقدر است .

رئیس — دیگرمخالفی‌نیست اظهاری‌نشد

رئیس — رای میگیریم‌برماده ۲۲بطوری که خوانده شد کسانیکه موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام‌نمودند)

ماده ۴۹ — که در بین شور از مجلس به کمیسیون رجوع شده بودقرائت شد کمیسیون به عبارت ذیل ماده مزبوره را اصلاح نموده بمجلس پیشنهادکرده بود .

وزیر مالیه - درآخر هرسال باید تشکیل یك کمیسیون ۱۲ نفری که عبارت خواهدبود از۶ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی ۳ نفرازسنا وسه نفر ازدیوان‌محاسبات ازحضور همایونی‌استدعا نمایند تکلیف کمیسیون مزبور بقرار ذیل‌است اولا بستن وختم نمودن روزنامه ودفتر کل وزارت مالیه در آخر سال ثانیا مطالبه نمودن حسابهای دخل و خرج که وزرا طبع کرده‌اند با دفاتر محاسبات مرکزی هر یك از وزارت خانه ثالثا مطالعه کردن صورت محاسبات به وسائلی که در دست است از قبیل مقابله دفتر مزبور با روزنامه وسایر دفاتر اداره محاسبات‌کل و بالنتیجه حساب محاسبین‌جزءخاصتاً نوشتن صورت مجلس که حاکی کیفیت امربوده وباید طبع وبوزیر مالیه ومجلس شورای ملی داده شود

سلیمان‌میرزا -این ماده ۴۹ پس از آنکه برگشت به کمیسیون حالا که ثانیاً راپورت داده‌شده است ابداً تغییری در آن داده نشده است زیرا که آنروز گفتگوها در موضوع مداخله مجلس سنا در امور مالیه بود نه اینکه شش نفر را سه نفر کنند وچهارنفر را شش نفر موضوع گفتگو این بود که مجلس‌بهیچوجه مداخله درامور مالیه ندارد ورأی‌او درامور مالیه بهیچوجه اثری‌ندارد ومداخله‌درامور مالیه راقانون اساسی ما مختص کرده است بمجلس شورای ملی‌برای چه ۶ نفر یاسه نفر از آن‌مجلس باید دراین کمیسیون عضویت داشته باشدکه پس‌از آنکه اگرمقصود از این عضوی‌که مجلس سنا در اینجا دارد این است‌که یك اطلاعی داشته باشد که پس ازآنکه طبع‌و توزیع‌شد همه کس این اطلاع را پیدامیکند واین کمیسیون درصورتیکه ازاعضاء مجلس شورای ملی‌و مجلس سنا تشکیل میشود که بروند دریك امری رسیدگی کنندکه مجلس‌شورای ملی ومجلس سنا وهر دو بالاشتراك در آنکار حق داشته باشندو یااینکه قانون اساسی مداخله‌درامور مالیه رااختصاص میدهد بمجلس شورای ملی‌ومجلس شورای‌ملی و مجلس سنارا بی حق کرده است در اینصورت نمیدانم چه‌شده است‌که باز در کمیسیون حق بمجلس سنادادهاست‌و عده منتخبین آنرا سه نفر قرار داده است و بنده همانطورکه قبل از این دراین خصوص مذاکره شد عقیده‌ام این است که هیچکس نباید در این امر شرکت داشته باشد و خوب است اینطوری نوشته شود که شش نفر از دیوان محاسبات انتخاب شود و آن سه نفر زیادی است

ارباب کیخسرو — بنده درکمیسیون این عرض را کردم دراینجا هم عرض میکنم حالا اگر در اصل انتخاب از مجلس مذاکره است نمیدانم ولی‌اینطوریکه دراینجاتقسیم کرده اند این ۱۲نفر راکه ۶نفر ازمجلس شورای ملی و۳نفر از دیوان محاسبات وسه نفر ازمجلس سنا میخواستم سئوال کنم تاوقتیکه مجلس سنا تشکیل‌نشده‌است‌دروقتیکه بخواهند این ۱۲ نفر را انتخاب کنند برای این کمیسیون چه‌خواهد شدآیا ۹ نفر انتخاب خواهد شد یااینکه ۶ نفر از مجلس شورای ملی و شش نفر از دیوان محاسبات انتخاب میشود این را خوب است توضیح بفرمایند که‌حل‌این‌مسئله بشود .

افتخار الواعظین-درحدود انعقاد سنا گویا هیچیك از نمایندگان حرف نداشته باشند که مجلس دیگری هم‌غیر از این مجلس بایدپاسم مجلس سنا تشکیل شود ولی پس از اینکه دراین باب قانونی نیست باید ملاحظه کنیم که قانونی را که با وضع مخالف قانون‌اساسی نباشد وقانون‌اساسی در اصل ۴۶ تصریح‌می کند که امور مالیه مخصوص خواهد بود به مجلس شورای ملی و قراردادهائی که می شدرد باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس سنا ملاحظه خودش را بزاظهار بدارندولی مجلس‌شورای ملی‌باز مختار است که آن ملاحظات را قبول یا رد کند و این صریح در این است که بهیچوجه من الوجوه مجلس سنا حق مداخله دراین امر ندارد پس وقتیکه‌مداخله نداشته باشدمی‌فهمم که کمیسیونی که تشکیل می‌یابد که بروند برای تحقیق حساب وزارتخانها برای چه ۳ نفر از سنا باید برای عضویت این کمیسیون انتخاب شودا گر واقعا از برای این است که قانون باو این حق را داده است که می‌بینم قانون اساسی خلاف تصریح کرده است و می گوید مجلس سنا بهیچوجه حق مداخله در امور مالیه‌ندارد و اگرفقط برای‌اطلاع است که همانطوریکه گفته شدلایحه‌قانونی تفریغ بودجه طبع و توزیع شد عموم از آن‌مطلع‌میشوند و البته مجلس سنا هم‌مطلع خواهند شد و درآخر عرض خودم را تکرار می‌کنم که مجلس سنا بهیچوجه حق مداخله و تفتیش در امور مالیه‌ندارد و عرض می کنم که تعیین ۳ نفر برای عضویت این کمیسیون مخالف است با اصل ۴۶ قانون اساسی

فهیم‌الملك — آنچه را در این ماده مخالف می‌بینند با قانون اساسی بنده نمی‌دانم از چه راه این با قانون اساسی مخالف است و چه حقی به مجلس سنا داده شده این یك کمیسیونی است که معین می‌شود برای اینکه برود درمحاسبات وزراء تفتیش کند حالافرض کنید هیچ اعضاءمجلس و سنا نیست و در خارج یك کسی می‌رود حساب هیئت وزراء را تفتیش می کندمجلس هم البته‌رأی می‌دهد حالا در این که ۳ نفر از این ۱۲ نفر از مجلس سنا معین شود نمی‌دانم چرا اینقدر ضدیت می‌شود در صورتیکه همانطوریکه‌که در اصل ۴۹ قانون اساسی مداخله در امور مالیه را اختصاص می‌دهد به مجلس شورای ملی یك ماده دیگریهم در قانون اساسی است که اگر تا این اندازه‌که در اصل دقت می‌نمائید در آن تأمل کنند می‌بینند که برای اینکه نظری داشته باشند می‌توانندازاعضای مجلس سنا در این کمیسیون انتخاب شوند وآن اصل ۱۱۹ است‌که می‌نویسد مجلس حق داردبرای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات و ممالك ایران و تجدید حکومتها پس از تصویب مجلس سنا اجرای آراء مصوبه‌را از اولیاء دولت بخواهد برای تسهیل امور مالیات این جا می گوید که مجلس بایدتصویب‌سنارابخواهد و مایك اصل می‌خوانیم و میگوئیم که با اعضاء سنا بهیچوجه هم نمی توان‌ملاقات کرد درصورتیکه نگفته‌اند بودجه را او تصویب میکند نگفته‌اندرای بدهد چون کمیسیون تفتیش در همه جا معمول است که از پارلمان یعنی از هیئت مجلس تشکیل‌میشود در این هم گفته اند دو سه نفر ازاعضاء کمیسیون از مجلس سنا انتخاب شود و من مخالفتی در این ماده با قانون اساسی نمی بینم که حقی از مجلس سلب‌شده‌باشد یااینکه‌برای مجلس سنا حقی‌ملاحظه شده باشدباز هم اگر اکثریت مجلس این‌راتصویب نمی کنند رأی بدهند که شش نفر از مجلس‌شورای ملی و شش نفر از دیوان محاسبات انتخاب شود

آقاحاج‌شیخ‌علی — اینکه‌درقانون‌اساسی نوشته شده این است که امور مالیه راجع بسنا نیست والا اینکه چند نفر از اعضاء مجلس سنا برای این کمیسیون‌انتخاب شود این‌مخالفتی باقانون اساسی‌ندارد ولی‌یك مطلب‌دیگری که در کمیسیون گفتم و اینجا هم می خواهم عرض کنم این است که خوب است در اینجا قید شودکه این سه‌نفر در وقتی ازسنا انتخاب میشوند که آن مجلس‌منعقد باشد و نبودن آن هر شش‌نفر از دیوان‌محاسبات انتخاب خواهد شد .

پیشنهاد آقای شیخ علی نیز بدین مضمون قرائت شد .

این بنده پیشنهادمی کنم که ماده ۴۹ اینطور نوشته شود .

(وزیر مالیه در آخرهرسال باید تشکیل‌یك کمیسیون ۱۲ نفری که مرکب خواهد بوداز شش نفر ازنمایندگان مجلس شورای ملی و سه نفر از سنا و سه نفر از دیوان محاسبات در صورت بودن مجلس سنا و درصورت نبودن مجلس سنا هر شش نفرازدیوان‌محاسبات ازحضور همایونی‌استدعا نماید تکلیف کمیسیون‌مزبوربقرارذیل است تاآخرماده)

وحیدالملك — بنده آنروز هم که در خصوص این ماده مذاکره میشداجازه‌خواسته بودم در این ماده حرف بزنم‌ولی‌اجازه داده نشدمخبر کمیسیون فرمودند که‌دراغلب‌جا هامعمول است‌که پارلمان یعنی هیئت مجلسین در امور مالیه تفتیش میکنند یعنی کمیسیونی‌منتخب بشودمرکب ازاعضاء

www.iran-archive.com

مجلس سنا ومجلس شورای ملی بنده عرض میکنم این طور نیست اگر چه ظاهراً غریب بنظر میآید ولی در ممالک جمهوری از قبیل [سویس] و آمریکا اگر ملاحظه فرمائید می بینید که اینطور نیست واگر که تشکیلات سنا را در آمریکا فرضاً ملاحظه بفرمائید می‌بینید که این بکلی منافات پیدا می کند یا تشکیل مجلس سنا در بلژیك که قانون اساسی ما رااز روی قانون‌اساسی آنها نوشته اند آقایانیکه این قانون را از روی قوانین فرانسه اتخاذ می کنند خوب است قانون اساسی مملکت‌را هم ملاحظه‌بفرمایند وبه بینند که‌مقام مجلس درامور مالیه چیست‌و تشکیل سنا از چه بوده است بنده عرض می کنم‌که در بلژیك مجلس سنا هیچ حق دخالت درامور مالیه‌ندارد مثل اینکه دراغلب‌ممالك هم مجلس سنا ندارد واگر مجلس سنا دارند بنده این را مشکوك نمی‌دانم قانون فرانسه شاید همین حق را بسنا داده‌است ولی تشکیل سنای فرانسه ورأی سنای بلژیك است‌وچون مجلس سنادربلژیك این حق را ندارد که مداخله در امور مالیه بکند ما در قانونی که از روی قوانین بلژیك گرفته شده که از روی‌یك‌شروطه‌بسیطه ایست چراحق بدهیم به مجلس سنا که در امور مالیه مداخله کند تفتیش البته یك چیزی است‌که لازم است در عمل مالیه بشود یك چیزی است که همه‌حق‌دارند از آن‌مطلع شوند ولی حقی را که یك هیئتی آن رادارا نیست هیچ نباید باو داده شود از این‌جهت بنده عرض می کنم که این کیفیت‌معنی مداخله در امورمالیه‌مال مجلس شورای ملی است و منحصر باو است و ازاو نباید سلب شود و عرض می‌کنم که این تفتیش‌را باید از طرف‌مجلس‌شورای‌ملی ویك‌تأسیس‌دیگری که کارش تفتیش‌است وبرای تفتیش‌معین شده‌است بشود و بهچوجه به مجلس سنا که بعد تشکیل می شود مربوط نیست از برای اینکه به مجلس سنا این‌حق داده شده است .

وزیرمالیه — عرض‌میکنم اینکه درقانون اساسی ما نوشته شده است که در امور مالیه فقط مجلس شورای ملی مداخله میکند یعنی درتصویب امور مالیه یعنی اگرمخارجی در مملکت بخواهند می کنند آن مخارج را مجلس شورای ملی‌بایددرد یاتصویب کند ومجلس سنا دراین موقع حق ندارد مگر بهمان شکلی که در قانون اساسی نوشته شده است که باآنطورمی‌تواند ملاحظات خودش رابکند وقبول ورد آن ملاحظات هم‌با مجلس شورای ملی است اما اینکه یك کمیسیون انتخاب بکنند که کارش فقط یك‌نظارتی یایك شهادتی باشدهمین قدری که اینجا نوشته شده است که‌یك کتاب دفتری راببینند یااینکه مطابقه کنند صورت حساب‌را یایك دفتری این باعتقادبنده‌یك‌چیزی‌است که‌اگر از کوچه چهار نفر حمال را انتخاب کنند این کار ازاو می‌آیداین آنقدر اهمیت ندارد که بگویند (از اعضاء مجلس سنا مبادا یك‌نفری در این کمیسیون باشد) برای اینکه مبادا کفر واقع شود .

دراین‌موقع دوفقره پیشنهاد ذیل قرائت‌شد .

(۱) از طرف شاهزاده محمدهاشم میرزا .

این بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۴۹ چنین نوشته‌شود .

وزیرمالیه در آخر هرسال باید تشکیل یك کمیسیون ۱۲نفری که مرکب خواهد بود از شش نفر نمایندگان مجلس شورای ملی و شش نفر از دیوان محاسبات از حضور همایونی استدعا نماید تکلیف کمیسیون مزبور بقرارذیل است تاآخرماده)

(۲) ازطرف‌آقای حسین‌علی‌خان .

بنده پیشنهاد می کنم که این کمیسیون فقط مرکب باشد ازمجلس شورای ملی دیوان‌محاسبات بدین‌طریق ۸نفر ازاعضاء مجلس و۴نفر ازاعضاء دیوان محاسبات .

حاج شیخ اسدالله — این که این‌قانون اقتباس از قانون فرانسه یا بلژیك شده است بنده کاری بآن ندارم اما اینکه مخالفت باقانون اساسی دارد بنده هرچه ملاحظه میکنم می‌بینم که در این خصوص مخالفتی نیست می گویند که تصریح قانون اساسی براین استکه بعد از مجلس شورای ملی کسی حق ندارد دخالت در امور مالیه بکند اگر چنین‌چیزی هست‌بیاورید ببینیم قانون‌اساسی میگوید جرح وتعدیل مالیات‌مخصوص مجلس است میخواهم بدانم که تفتیش‌جرح وتعدیل است .

فعلا یك‌حقی است که امروز ما می‌خواهیم به مجلس سنا بدهیم وآن این‌است که نوشته موشود که کمیسیونی مرکب‌از۱۲نفر که شش‌نفر ازمجلس شورای ملی و سه نفر از دیوان محاسبات و سه نفر از مجلس سنا بروند تفتیش بکنند در محاسبات وزراء و راپورت بدهند و این‌نه دخالتی است در امور مالیه نه جرح‌و نه‌تعدیل نه تصرف در امور مالیه شما مینمایند اگر شما باینطور بخواهید سخت بگیرید که‌اعضاءدولت‌دخالت درامرمالیه نکنند که‌نمیشود آیا وزراء از هیئت دولت نیستند و تمام مالیات بتوسط آنها نمیرسد پس‌یك مرتبه بگوئید که مالیات گرفتن برخلاف قانون اساسی است .

سلیمان‌میرزا — اینجا اگر آقایان‌دقت‌بفرمایند خواهند دید که هیچ همچو چیزی نیست بنده این اصلهارا میخوانم وآقای آقاشیخ اسدالله همه آنها را تجزیه‌وترکیب بفرمایند اصل۴۶ قانون اساسی‌میگوید پس‌از انعقاد سنا تمام امور باید بتصویب هردومجلس باشد اگر آن‌امور ازسنا یا از طرف هیئت وزراء عنوان شده باید اول‌سال‌درمجلس تنقیح وتصویب شده باکثریت آراء قبول‌و بعد بتصویب‌مجلس شورای‌ملی برسد ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس ازاین مجلس بمجلس سنا خواهد رفت ایشان گویا اشتباه کردند برای‌اینکه پشت‌سر اینکه تمام امور بتصویب هر دو مجلس میگذرد و هرچه که ازمجلس سنا گذشت باید بمجلس شورای ملی بیاید و تصویب شودو هرچه که‌ازمجلس‌شورای‌ملی گذشت باید بمجلس سنا برود یك استثنائی هم هست بجهت اینکه مینویسد مگر امور مالیه مخصوص به مجلس شورای‌ملی خواهد بود یعنی غیرازمجلس‌شورای‌ملی کسی حق‌ندارد مداخله درامورمملکتی نمایدو قرار- داد مجلس در امور مذکوره‌باطلاع‌مجلس سناخواهد رسید که‌مجلس مزبور ملاحظات‌را بمجلس‌ملی‌اظهار نماید ولیکن‌مجلس ملی مختاراست که‌ملاحظات‌مجلس سنارا بعداز مداقه لازمه قبول یاردنماید پس‌معلوم‌شد که‌در غیراز امور مالیه پس‌از آنی که خودمان آنهارا اصلاح کردیم ورأی‌دادیم‌میتوانیم خلاصه کارخودمان را بآنجا بفرستیم و آنها اگر نظریاتی دارند ضمیمه آن مینمایند وباز بفرستند آنوقت هم ما مختاریم در اینکه آن نظریات‌راقبول‌یارد کنیم اماهیچ حق‌نداده است که‌در وقتیکه مامشغول عمل‌هستیم آنهاراشریك در عمل خودمان قرار بدهیم آقای وزیر فرمودند که اینکار آنقدر اهمیتی‌ندارد واز۴نفرحمال‌هم برمیآید بنده اینکار را خیلی مهم میدانم برای اینکه تنها نشستن و ختم کردن روزنامه نیست بنده‌وظایف این کمیسیون‌را میخوانم می نویسد (تکلیف کمیسیون مزبور بقرار ذیل است .)

اولا بستن‌وختم نمودن روزنامه‌ودفتر کل وزارت مالیه‌درآخرسال ثانیاً مطابقه نمودن حسابهای دخل‌و خرجی که وزرا طبع کرده اند یا دفاتر محاسبات مرکزی هریك از وزارتخانه هاثالثاً مطابقه کردن صورت محاسبات کل مالیه بادفتر کل وزارت‌مالیه رابعاً رسیدگی‌بدفتر کل‌محاسبات بوسایلی که‌در دست است ازقبیل مقابله دفتر مزبور با روزنامه و سایردفاتراداره محاسبات کل‌وبالنتیجه‌حساب محاسبین جزء خامساً نوشتن صورت مجلس که‌حاکی کیفیت امر بوده وباید طبع وبه‌وزیر مالیه ومجلس شورای ملی‌داده شود .

بهترین کارهائیکه امورمالیه‌دارد همین‌هااست که‌آن اختصاص را بما داده‌اند اراین راه میتوانیم استفاده ازآن حق خودمان بکنیم فرضا که‌اتفاق آراءبا هم‌این راتصویب کرده درصورتیکه‌باین صراحت مخالف با قانون اساسی ومداخله دادن‌سنا درامور مالیه باشد من‌نمیدانم این رای چه‌صورتی خواهدداشت .

وزیرپست — پس‌ازاین‌همه‌فرمایشات‌شاهزاده من‌نمیدانم چطور این‌مطلب مخالف قانون اساسی است‌من تعجب میکنم ازمثل شما که این فرمایش‌را میکنند روح قانون‌اساسی است‌ومقصود قانون‌گذار اراین اصل‌این بوده است که در وضع مالیات برای مملکت مجلس‌سنا حق‌مداخله را ندارد حالا حکمت این‌و فلسفه این‌چه چیزاست‌البته خواسته‌اید که‌برای این بوده است که اعضاء مجلس سنا اهل ثروت بوده اند بآن جهت حق باتهها نداده اند و همینطور دلائل دیگر هم لابد دارد اینجا فعلا مذاکره دراین است که کمیسیون که تشکیل میشود برای تفتیش ورسیدگی بمحاسبات وزرا سه نفر از اینها از اعضاء مجلس سنا انتخاب شود حالا اگر وزیر مالیه خواستند برای مبالغه در کلام بفرمایند که حمال‌هم میتواند این کاررا بکند ربطی‌بموضوع ندارد مقصود این است‌که نوشته شود که در موقع تشکیل یك‌همچو کمیسیونی سه‌نفرازاعضاء مجلس سنا که (سناتر) میگویند یعنی مجلس (کملین) مجلسی که اعضاء آن اشخاصی هستند که مدتها در ادارات بوده اند تجربیات دارند ، اطلاعات دارند ودرهر کاری میتوانند‌اقدام کنند وسه‌نفر آنهامیتوانند همه جور خدمت کنند برای عضویت این کمیسیون انتخاب شود حالا شما تصور میکنید که این یك حقی است که بمجلس سنا داده میشود که درامور مالیه حق دخالت داشته باشد و سه نفر [سناتر]

که دراین کمیسیون باشند رأی مجلس شورای ملی را رد خواهند کرد واین حق ازمجلس سلب شود باید بمجلس سنا دراین باب حق داده شود تااینکه سرکار والا بفرمائید این مطلب مخالف قانون اساسی است اصلا این کمیسیون برای این است که بروند برسند باینکه این کتاب با این کتاب مطابقه میکند یا نمی کند چیز دیگری نیست بنده حیرت می کنم که این چه اشکالی است این چه اصرار و تشددی است که میفرمائید بنظر بنده این مطلب هیچ اشکالی ندارد وهیچ مخالفتی با قانون اساسی نخواهدداشت برای اینکه درموقعی که برای تفتیش وهمان طور که نوشته شده است برای مطابقه دفاتر وزارت مالیه با یکدیگروبستن یك هیئتی را میخواهیم از مجلس شورای ملی بدیوان محاسبات بفرستیم در آن ساعت میگوئیم سه‌نفرهم ازمجلس سنا بیایند ودر این امریك نگاهی بکنید این با کدام اصل قانون اساسی مخالف است حالا اینجا اتفاقاً ازاول اذهان ما نسبت بسنا مسموم شده است بنده باین کاری ندارم ولی عرض می کنم اگر سه‌نفر (سناتور) یعنی اشخاص بصیر و کسانی که اطلاعات صحیحه از ترتیب ادارات دارند داخل در این کمیسیون که برای تفتیش معین میشود باشد خیلی مفید است و بنده ضامن میشوم که هیچ ضرری نداشته باشد.

وزیرمالیه - این اظهارات مرا واداشت که یك چند کلمه باز اینجا عرض کنم وآن این است که بنده هیچ حمایتی از مجلس سنائی که هنوز منعقد نشده است ندارم اما عرض میکنم که اساساً باید مطالب را یك شکلی عنوان کرد که یك تعبیرات غلطی واقع نشود مثلا درقانون اساسی نوشته شده است امور مالیه با مجلس است وقتی که ما اینطور بخواهیم آنرا تعبیربدهیم که بگوئیم تمام جزئیات امور مالیه‌راجع بمجلس است حتی شمردن ودادن بیست ودو تومان وپنج هزارحقوق فلان آدم هم مختص بمجلس شورای ملی است پس باید مجلس شورای ملی اصلا تحویلدار خانه مملکتی بشود اینطور نیست قانون اساسی میگوید جرح وتعدیل امورمالیه یعنی وضع مالیات درمملکت ازحقوق مختصه مجلس شورایملی است وکیل دیگرحق وضع ندارد واینکه در یك کمیسیونی که اصلا تشکیل آن برای تفتیش در محاسبات وزراء و مطابقه دفاتر و بستن آنهاست اگرسه‌نفرازمجلس‌سنا درآن باشد بهیچوجه مخالف با قانون اساسی نخواهد بود.

آقاسید حسین اردبیلی - اینجا اختلاف نظر از دو راه است یك وقت هست که باوجود این سه نفر ازمجلس سنا را لازم میدانیم از نظراینکه میگوئیم چه ضرر دارد که چند نفر از اشخاصی که اطلاعات دارند و آن اطلاعات برای ما خیلی مفید است همان طوری که آقای وزیر پست و تلگراف فرمودند دخالت بدهیم بنده عرض می کنم اگر از این نقطه نظر است خیلی خوب است که چندنفر باهم از اداره گمرك که خیلی اهل حساب هستند و اطلاعات از ترتیبات دفتر داری و ادارات دارند - می‌توانیم ازآنها همان استفاده را بکنیم مداخله بااین کار بدهیم برای اینکه خیلی مفیداست وهمچنین از سایر ادارات مثل بلدیه مثلا یك چندنفری هم از آن اداره بگوئیم انتخاب شود آنوقت ما اینرا انکار نمی کنیم درصورتی که اختلاف نظر از این راه نیست فقط نقطه نظر آنهائی که در تصویب این تأمل دارند اینست که قانون اساسی ما یك اختصاصی در امور مالیه بمجلس شورای ملی داده است و گفته است که امور مالیه فقط با مجلس شورای‌ملی است و اینکه آقای وزیر مالیه فرمودند که‌این‌درتصویب مالیه است اینطور نیست اگر ملاحظه‌فرمائیدقانون اساسی کلیه امور مالیه‌را از تسویه و تسهیل وجرح و تعدیل و کسر حقوق و بر قراری آن و هر نوع مطالبی را که راجع بامور مالیه است تمام را از وظایف امور خاصه مجلس شورای ملی قرار داده و مجلس سنا را در این باب دخالتی نداده‌است و مخصوصاً اورا اختصاص داده است باینکه‌درامور مالیه حق مداخله و نظر را ندارد انتخاب سه نفر از مجلس سنا در این کمیسیون اگر چه بفرمایش بعضی از آقایان جزئی است ولی یك حقی‌است که بدون حق بمجلس سنا داده‌ایم و اورا باین واسطه حق داده ایم که مداخله در امور مالیه‌بکند وبنده عرض میکنم‌درصورتی که صریح قانون‌اساسی‌ما این حق‌را اختصاص بمجلس‌شورایملی‌داده‌است و دیوان محاسبات‌تشکیل‌می‌شود و میروند تفتیش‌ورسیدگی می کنند وپس از آنی که راپورت آنرا بمجلس شورایملی دادندعموم مردم‌مطلع خواهند شدآنوقت مجلس سنا هم اطلاع پیدامیکند اگر برای‌اطلاع است و اگر برای چیزدیگر است که همانطوریکه گفته‌شد برخلاف قانون اساسی‌است.

متین‌السلطنه — بنده عقیده ام این است که اگرمجلس‌سنائی‌می‌داشتیم و یك مجلس‌شورای ملی‌یامجلس سنا در این یك‌سال کارکرده بودحالا این مذاکرات را نمیکردیم بجهت اینکه همان قانون که‌مختص میکند امورمالیه را بمجلس‌شورای ملی این حق را هم بمجلس‌سنا میدهد که‌مجلس‌سنا اگر بخواهد می‌تواند در امور مالیه نظر کندبلکه همین‌قانون اساسی از این شدیدتر هم میرود که‌در یك موقعی با تصویب هیئت وزراء انفصال مجلس شورای ملی را هم می‌خواهد. این قوانین اساسی‌ما است اگر می‌خواهید ملاحظه کنید همه را ملاحظه کنید البته هیچکس منکر نیست که امور مالیه از مختصات مجلس شورای‌ملی‌است ولی از آن‌طرف هم کسی منکر نخواهد بود که بهترین طریقی که مجلس شورای ملی می‌تواندبرای‌اجرای این‌قانون اتخاذ کند همان حق دادن انتخاب یك عده است برای این کمیسیون تا اینکه موجب دفع مشاجره بین مجلس شورای ملی و مجلس سنا باشد وباین نظر یعنی فقط برای اینکه مشاجره بین‌مجلس سناو شورای ملی واقع نشود بنده تصویب میکنم سه‌نفر که سهل است شش نفر هم اگر ازمجلس سنابرای عضویت این کمیسیون انتخاب شود ضرری ندارد بجهت این‌که این هیچ مربوط باین نیست که آنها درامور مالیه‌دخالتی داشته باشند و اگر مانظرمان براین باشد که حتی المقدور مشاجره و منازعه بین مجلس شورای ملی و مجلس سنا نباشد میدانیم که بهترین وسیله برای این کار همین‌است که درموقع ازطرف مجلس‌شورای‌ملی آنها را هم مطلع‌سازند که از طرف آنهاهم یك عده با مامورین مجلس شورای ملی دراین تفتیش‌هم‌نظر وشریك شوند و آنوقت هیچ مشاجره ومنازعه واقع نشود این است که ازاین‌نقطه‌نظر عیب ندارد که بگوئیم یك عده ازسنا دراین کمیسیون باشند وبا نظریات‌اعضاءآن کمیسیون همراه باشند وبنده تصور نمی کنم که این مشاجره یك وقتی بین بلدیه یا اداره گمرك و مجلس شورای‌ملی واقع‌شود تااینکه فرمایش آقا سید حسین صحیح باشد که میفرمایند پس بهتراین این‌است که‌یك عده هم ازبلدیه یا اداره گمرك‌برای این کمیسیون انتخاب شود.

منتصرالسلطان - اینکه میفرمایند که‌ضرر ندارد برای رفع مشاجره چند نفر هم از مجلس سنا دراین کمیسیون تفتیش‌عضویت داشته باشد این را بنده خیلی بعید میدانم که ما یك‌حق ثابت باین بزرگی خودمان‌را بیائیم بدهیم بدیگری واین‌مثل این‌است که من میگویم هر کس هروقت بخواهدمال مرا بفروشد مختاراست واگر ما یکقدری در اصل ۱۸ قانون اساسی دقت وتامل‌کنیم رفع‌اشتباهات از ما خواهد شد وچون اصل ٤٦ دراینجا خوانده شد وکاملا حلاجی شد وفهمیدند که مجلس سنابهیچ وجه دراین‌مورد حق مداخله‌ندارد بنده هم‌این‌اصل ۱۸ رامی‌خوانم‌تااینکه‌نمایندگان محترم کاملامسبوق شوند که مجلس سنا ابدا حق ندارد درامور مالیه مداخله کند تااینکه سه نفر یا شش نفر اعضاء آن دراین کمیسیون انتخاب‌شود.

اصل ۱۸ - تسویه‌امور مالیه جرح و تعدیل‌بودجه تغییر دروضع مالیاتها رد وقبول درعوض وفروعات همچنان‌ممیزهای‌جدیده که‌ازطرف‌دولت اقدام‌خواهد شد بتصویب مجلس خواهد بود.

پس هیچوقت به مجلس سنا دراین کارها یعنی درتسویه‌امور مالیه وجرح‌وتعدیل‌مالیات حق‌مداخله داده نشده‌است واین از حقوق منحصره و وظایف مختصه مجلس شورای ملی است و بعقیده بنده هر قدر دراین‌خصوص مذاکره کنیم‌نتیجه نخواهدداشت برای‌این که مخالف‌اصل ۱۸ و ٤٦ قانون‌اساسی‌است وهرقدردراین‌خصوص‌اوقات‌مجلس‌شورای‌ملی‌راصرف کنیم‌واسباب‌تصدیع‌نمایندگان‌محترم‌بشویم‌فایده‌ندارد ودراصل ۱۰۲ درباب‌دیوان محاسبات که ذکرمی کنند این جا هم مشروحاً بنویسد که دیوان محاسبات که رسیدگی در امورمالیه‌می کند باید از طرف‌مجلس شورای ملی رسیدگی کند و صورت کلیه‌محاسبات مملکتی‌را بایدبانضمام ملاحظات‌خود تسلیم مجلس شورای‌ملی می نماید و اگر مجلس سنا حقی‌داشت در امور مالیه و می‌توانست نظریاتی در آن بکند در این جا هم باو حق داده می‌شد ودرعمل دیوان محاسبات مداخله می کرد.

سپهدار اعظم — اصل ۱۹ قانون اساسی راهم بخوانید.

منتصرالسلطان - اصل ۱۹ را هم‌میخوانم

www.iran-archive.com

و تشریح می کنم- اصل ۱۹- مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی «اصلاح امور مالیه نه مداخله در محاسبات دولتی و هیئت وزراء» وتسهیل روابط حکومتی «این هارا دقت کنید که خیلی مهم است» در تقسیم ایالات و ممالک ایران یعنی در تحدید ممالک با دقت ملاحظه فرمائید » وتحدید حکومتها پس از تصویب مجلس سنا اجرای آراء مصوبه را از اولیاء دولت بخواهد - این ها هیچکدام راجع باین نبود که مجلس سنا بتواند مداخله در امور مالیه کند خوب است یك قدری انصافاً تصور کنیم که چه باری بدوش ما گذاشته اند و حقوق سی کرور ملت بیچاره را که بگردن خود گرفته ایم و بقرآن قسم خورده ایم که حفظ کنیم چطور بیائیم این جا به نشینیم و بگوئیم چه ضرر دارد ازبرای اینکه مشاجره و منازعه بین مجلس شورای ملی و مجلس سنانشود چند نفری در این کمیسیون که برای تفتیش محاسبات وزراء معین می‌شود از مجلس سنا انتخاب شود که آنها هم در آن نظری داشته باشند و بر خلاف قانون اساسی حق بدهیم بآنها درامور مالیه مداخله کنند و بنده نمی دانم چگونه می توانیم با این مذاکرات در این خصوص رای بدهیم .

رئیس - مذاکرات بقدر کافی در این خصوص بعمل آمد حالا باید رای بگیریم جمعی اجازه نطق خواستند اظهار کردند که مذاکرات کافی نیست .

رئیس - پس رای می گیریم در اینکه مجلس شورای ملی مذاکره را کافی می داند یاخیر کسانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند [اغلب قیام نمودند]

رئیس - مجلس مذاکرات را کافی دانست حالا در پیشنهادهائیکه شده است رای می گیریم پیشنهاد آقا شیخ علی قرائت شد .

رئیس - حالا بنده یك تقاضائی از آقای آقا شیخ علی می کنم که پیشنهاد ایشان را مؤخر بداریم از برای اینکه به بینم اساساً مجلس انتخاب یك عده رااز مجلس سنا برای عضویت این کمیسیون تصویب می کند یا خیر ؟

پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا بعبارت ذیل قرائت شد .

وزیر مالیه در آخر هر سال باید تشکیل یك کمیسیونی ۱۲ نفری را که مرکب خواهند بود از ۶ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی و ۶ نفر از دیوان محاسبات از حضور همایونی استدعانماید تا آخر ماده .

رئیس — رای می گیریم در این پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا فقط ۶ نفر ازدیوان محاسبات و شش نفر از اعضاء مجلس شورای ملی انتخاب شود کسانیکه این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام نمایند ۲۸ نفر قیام نفر نمودند چون اکثریت نبود رد شد .

ثانیاً پیشنهاد آقای حسنعلی خان قرائت شد .

رئیس - رای می گیریم بر این پیشنهاد آقای حسنعلی خان که هشت نفر از اعضای مجلس شورای ملی و چهار نفر از دیوان محاسبات انتخاب شود کسانیکه این پیشنهادرا تصویب می کنند قیام نمایند ۳۲ نفر قیام نمودند نیز چون اکثریت نبود رد شد.

رئیس - حالا رای میگیریم بر ماده ۴۹ بطوری که کمیسیون پیشنهاد کرده است .

ماده ۴۹ بطوریکه کمیسیون پیشنهاد کرده بود قرائت شد در این موقع عده از اشخاص که مخالف پیشنهاد کمیسیون بودند از مجلس خارج شدند

رئیس - عده برای اخذ رای کافی نیست.

لسان الحکماء — حالا که شبهه شده است در اینکه این ماده مخالف قانون اساسی است بنده تقاضا میکنم این راهم رجوع کنید بکمیسیون تفسیر برای اینکه تفسیر بکند واشتباه رفع شود (گفته شد لازم نیست).

رئیس — حالا چون عده برای اخذ رای کافی نیست اخذ رای در این خصوص را میگذاریم برای جلسه آتیه و چون جلسه خصوصی هم داریم عجالة جلسه علنی را ختم میکنم جلسه آتیه روز پنجشنبه و دستور آن از اینقرار است اخذ رای آخری در قانون محاسبات عمومی - شور در امتیاز طلاشوئی کوه زر - شور در باب مستخدمین بلژیکی - مجلس خصوصی است .

مجلس تقریباً یک ساعت و نیم از شب گذشته خصوصی شد .

جلسه ۱۸۰
صورت مشروح پنجشنبه ۲۱ شهر ذیقعده ۱۳۲۸

مجلس یکساعت ونیم قبل از غروب آفتاب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد .

صورت مجلس روز سه‌شنبه را آقای معاضد الملك قرائت نمود — غائبین جلسه قبل ناصر الاسلام — حاج وکیل الرعایا . بدون اجازه

شیبانی - مستشار الدوله — ممتاز الدوله — حاج مصدق الممالك — طباطبائی — دهخدا — سردار اسعد بموقع مقرره حاضر نشدند - وکیل - التجار - مریض .

نایب رئیس - آقای حاج عزالممالك راجع بصورت مجلس ملاحظاتی داشتید .

حاج عزالممالك — درآخر مجلس یك اتفاقی افتاد یعنی بعضی از آقایان درموقع رای دادن ازمجلس خارج شدند وبواسطهٔ خارج شدن آنها عده برای اخذ رای کافی نشد واینمطلب در صورت مجلس قیدنشده است درصورتیکه بنده لازم میدانم قیدشود بجهت اینکه اگر بنا باشد هر کس درهر مسئله که برخلاف رای بوده در اقلیت ماند بخواهد ازمجلس خارج شود وعده را از کفایت بیندازد وهیچ کاری پیش نخواهد رفت بنده ازهمان اشخاصی بودم که در آن روز مخالف بودم ورأیم دراقلیت ماند چند مرتبه هم عقیده خودرا اظهار کردم لکن بیرون نرفتم برای اینکه قاطع اختلاف اکثریت مجلس است ودر هر مسئله باید تابع اکثریت بود نه اینکه بمحض اینکه رای یکنفر مخالف شد بااکثریت در موقع رأی از مجلس خارج شود واخذ رأی را بتعویق بیندازد .

معاضد الملك — بنده درخصوص نمایندگان عراق درجلسه گذشته اجازه خواستم چون نوبت بینده نرسید جناب رئیس اجازه دادند که در جلسه آتیه مقصود خودم را عرض کنم وآن این بود که درخصوص شاهزاده فرمانفرما که مجلس رأی نداد ورد کرد گمان میکنم کسانیکه رأی ندادند نظرشان بیك موضوع اساسی بود وآن این بود که چون ایشان در وزارت جنك تشریف داشتند و آن مقام هم اهمیتش بیش از مقام وکالت است واگر مجلس تصویب میکرد حقوق اهالی عراق منظور نشده بود باینواسطه رأی ندادند دربارهٔ ایشان والا این مسئله معلوم است که یکنفر نماینده را که مجلس رد میکند ودیگری را قبول مینماید بی علت نیست ونظرشان بیك موضوع اساسی است .

نایب رئیس — معلوم میشود که راجع صورت مجلس ملاحظات دیگری نیست (اظهاری نشد نایب رئیس صورت مجلس را امضاء نمود .

حاج شیخعلی — هروقت که یك مقصودی نقطه نظر یکشخص واحدی یایکجمعیتی میشود اقدامی میکنند برای تحقیق یکمطلبی ومثلا ازمجلس یك کمیسیونی انتخاب میشود ششماه یکسال میگذرد و ماهیچ نتیجه از آن کمیسیون نمی بینیم مثل اینکه در هشت ماه قبل یك کمیسیونی انتخاب شد برای اینکه قراردادها و کنتراتها را مطالعه نمایند و بنده هیچ نمیدانم که آن کمیسیون چه شد همچنین یك کمیسیونی معین شد که بقروض دولت رسیدگی کند یکسال یادو ماه است میگذرد هیچ معلوم نشد که این کمیسیون چه کرد من که یکی ازنمایندگان میباشم تابحال به یك کنتراتی را دیدم ونه یك قراردادی را وما درچهارروز قبل گویا ملتفت شدیم که مجلس یکطریقی مشی ویك پروگرامی لازم دارد و باید نوشته شود و یك کمیسیونی برای انجام اینکار ازمجلس معین شد و تابحال نفهمیدیم که این کمیسیون چه کردند و بچه کاری مشغولند و هیچ راپورتی از ایشان بمجلس نیامد اگر در واقع آنهائیکه منتخب شده اند میخواهند پروگرام برای دوره بعد بنویسند هیچ لازم نیست برای اینکه دوره تقنینیه بعد که آمد خودشان یك فکری برای خودشان خواهند کرد و اگر بجهت ما میخواهند پروگرام بنویسند که الان قریب چهل روز است میگذرد ونه‌اریکی از آقایان اعضاء کمیسیون استفسار کردم که کی خواهید راپورت داد جواب دادند که تابیست وپنج روز دیگر مایك راپورتی از یك جمله مقصود خودمان خواهیم داد بنده عرض میکنم الان چهل روز است این کمیسیون معین شده است تابحال چطور شده است که راپورت نتوانسته اند بدهند که تابیست وپنج روز بعد آنهم از یك جمله مقصود خودشان می‌خواهند راپورت بدهند واگر این کمیسیون می خواهند مثل آن کمیسیونیکه مادر سابق انتخاب کردیم و هیچ اثری از آنها ندیدیم کاربکنند بهتر این است که منحل شود .

معزالملك — خود حاج شیخعلی هم اعتراف فرمودند که اینمسئله پروگرام یك امر مهمی ویك مسئله مشکلی است وباینجهة خودشان تصدیق خواهند کرد که یك چنین امر مهم ومسئله مشکلی را باین زودی نمیشود بمجلس آورد البته چندین شعب لازم دارد و درهریك از شعب باید وارد شد ودقت نمود تا اینکه یك مسئله بشود و

بمجلس بیاید و ازبیست‌وپنجم ماه گذشته هفته‌چهار روز از صبح تا ظهر کمیسیون منعقد بوده ومشغول بوده ایم و در این مدت هیچ مسامحه نشده است و با اینکه در این مدت کمیسیون خیلی اقدامات کرده است تازه پریروزاصلاحات عدلیه خارج‌شده است ودرجلسه امروزی داخل اصلاحات مالیه شده است در اینصورت و با این ترتیب خودشان هم اعتراف خواهند کرد که برای یك همچه امرمهمی و مسئله مشکلی اینمدت زیاد نیست واگر کمیسیون بتواند تا یك ماه دیگر راپورت‌صحیحی ازاقدامات تقدیم مجلس کند دیر نشده است و خوب کار کرده است .

نایب رئیس — حالا داخل می شویم در دستور امروز .

کاشف- بنده تقاضا می کنم که راپورت شعبه اول راجع بنماینده ارامنه که بنا بود جزء دستور شده وامروزمطرح شود رأی درباره آن گرفته‌شود

نایب رئیس — آن راپورت‌طبع نشده‌است و اگر هم شده باشد توزیع نشده است شروع‌می شودبدستوردستور بقیه‌شوردرماده ۴۹ قانون‌محاسبات عمومی است ماده ۴۹ قانون‌مزبور مجدداً قرائت شدپس از آن پیشنهادی از طرف شاهزاده‌سلیمان میرزا بمضمون ذیل قرائت شد [بنده تقاضا میکنم ماده ۴۹ قانون محاسبات عمومی را که موضوع مذاکرات و مباحثات بسیارشده و جمعی را عقیده این است که مخالف دو اصل قانون اساسی است بکمیسیون تفسیر ارجاع شود که در آنجا دلیل طرفین‌را کمیسیون اصغا نموده وملاحظات لازمه در آن‌شده راپورت داده‌شود .

نایب رئیس — عده‌از نمایندگان‌محترم اجازه خواسته اند ولی اگر در این پیشنهاد رأی گرفته شود دیگر گمان میکنم که مذاکره لازم ندارد حال در خصوص این پیشنهاد اگر آقایان ملاحظاتی دارند بفرمایند

حاج‌سیدابراهیم - عرض میکنم‌مابعدازیك سال که‌یکقانونی رامیخواهیم‌بگذرانیم‌معوق‌میگذارم ورجوع‌میکنم‌بیك کمیسونی درصورتیکه کمیسیون حق تفسیر قانون اساسی را ندارد و باید نظریات خودش را بگوید وبمجلس پیشنهاد کند تا اینکه مجلس آنرا قبول یارد کندو اینکه آن کمیسیون برحسب آنچه رادر قانون‌اساسی بگوید متبع‌باشد بنده این را قبول ندارم بلکه کمیسیون باید فقط نظریات خودش رابمجلس‌اظهار کند واگر اینمطلب رجوع باین کمیسیون بشود ازسایر کمیسیون هائی که‌تا بحال منعقد شده است نظریاتی نخواهد داشت وهرچه‌باشدباز بایدبیاید بمجلس ودرمجلس تصویب یا رد شود باینجهة بنده رجوع بکمیسیون را هیچ صلاح نمیدانم که(۵۰) ماده‌معوق‌بماند برای‌احتمال این که‌شایدشکل‌دیگر بشودمذاکرات‌دراینخصوص خیلی شده است‌واگرهم‌یکی دوروزدیگر درمجلس مذاکره بشود بنده گمان میکنم که زودتر بشود رأی گرفت‌ازاینکه بکمیسیون برود بنده بهیچوجه این پیشنهاد راتصویب نمیکنم بجهه این که‌بالاخره باید بمجلس‌بیاید ومجلس‌تکلیف آن‌را معلوم‌نماید

محمدهاشم‌میرزا- اولا بنده عرض میکنم اگر بایدداخل‌مذاکره شدوپیشنهادراساکت گذاشت که‌آن مطلبی است علیحده ولی خوب است اول‌در پیشنهاد رای بگیرند منتهی‌رای نخواهنددادآنوقت داخل درمذاکره‌میشویم اگرهم‌نتیجه‌نگرفتیم‌اذهان یك‌قدری بهتر حاضر میشود والاشخصاً بنده عقیده ندارم که‌این‌رجوع شودبکمیسیون‌برای‌اینکه‌فایده ندارد وعرض میکنم خوب است این‌را برای جلسه دیگر بگذاریم که‌تا آنوقت که‌باز اینمسئله‌موضوع بحث شود یکقدری اذهان مامسبوق وافکارحاضرتر خواهد بود .

سلیمان‌میرزا- بنده‌متعجبم ازاین‌فرمایشاتی که‌میفرمایندیك چیزی‌بنظر بنده‌رسیده است که‌این چیزیکه‌بمجلس آمده‌است‌مخالف‌قانون‌اساسی‌است‌مثل اینکه‌آقای‌عزالملك‌هم‌در خصوص‌اصل قانون اساسی پیشنهادی کردندورجوع‌شدبکمیسیون‌حالاهم‌یك‌چند نفری که‌بنظرشان‌رسیده است که‌اینماده‌برخلاف‌قانون اساسی است پیشنهادی کردند که اینمطلب‌رجوع‌شد بکمیسیون‌تفسیر اینمطلب‌بایدمعلوم‌شودیاخیرودریك مجلس هشتادنفری‌هم که‌نمی‌شود کاملادر اینخصوص مذاکره نموده‌ومدتی‌وقت مجلس راتلف کردرجوع می‌شود بیك کمیسیون شش‌نفری یادوازده نفری در آنجانظریات‌ومذاکرات لازمه دراینخصوص‌میشود بنده که‌این پیشنهادرا کرده‌ام دلایل خودم‌میگویم اعضاء آن کمیسیون یااشخاصیکه مخالف هستندهم دلایل خودشان راظهار میدارند و اگرهم یك دو روز طول‌بکشد باکمال‌خوبی‌بمجلس می‌آید وتمام می‌شود بنده که‌عرض نکردم رأی کمیسیون قاطع است اینمطلب رجوع می‌شودبکمیسیون کمیسیون هم‌همان‌طوریکه عرض‌شدبعدازمذاکرات وملاحظات لازم خود را اظهار نموده راپورت میدهدومی‌آید بمجلس آنوقت‌اگرمجلس‌رأی کمیسیون راتصویب کرد که‌چه‌بهتر والارد می کند وآنچه راکه مجلس رأی داد وتصویب کرد مطاع ومتبع خواهد بود این‌چیز تازه نیست که‌بنده تقاضا کرده‌ام مخبرهم همین حق‌را دارند اگرآلان برخیزند وتقاضا کنند لابد بکمیسیون رجوع خواهدشد پس‌بنده‌هم که یکنفر نماینده‌هستم این‌تقاضارا کرده‌ام ومی گویم این یك چیزی است که باید در کمیسیون تجدید نظری درآن بشود وبرگردد بمجلس تا این رأی که‌می‌خواهیم بدهیم ازروی بصیرت‌باشدبنده‌می گویم اینمطلب برخلاف‌قانون اساسی است آیا بایدبفهمم یا خیر ؟

نایب‌رئیس - گمان می کنم بطوریکه فرموده‌اند بعدازمذاکرات بازمجبور خواهیم‌شد که اینمطلب‌را بکمیسیون رجوع کنیم پس‌خوب‌است وقت مجلس‌رابیش‌ازاین صرف‌نکنیم‌واولادرخصوص این‌پیشنهاد رأی‌می گیریم آقایانیکه بااین‌پیشنهاد موافق هستند یعنی تصویب می کنند که‌این ماده رجوع شود بکمیسیون تفسیر قیام نمایند (اغلب قیام نمودند]

فهیم‌الملك — چون کمیسیون تفسیرمدتی است تشکیل‌شده و یکی از موادیکه بآنجا رجوع شده است هنوز آنها راپورت نداده‌اند از اینجهة استدعا می کنم که‌اینمسئله راجلو بیندازند همین‌هفته آن‌را مطرح مذاکره نموده راپورت بدهند که ازبرای‌یك مطلب جزئی‌یك‌قانونی عقب‌نیفتد .

نایب‌رئیس — حال اینمسئله‌رجوع می‌شود بکمیسیون تفسیر - جزءدویم ازدستور شورثانی‌در راپورت کمیسیون فوایدعامه راجع‌بامتیازطلاشوئی کوه زراست‌شروع‌بآن می‌شود .

ارباب‌کیخسرو - مکرر در اینجا مذاکره شد که‌هرطرح‌یا قانون‌یا امتیازی که‌بمجلس‌می‌آید وراجع بیك وزارت خانه است باید خود وزیر یا معاون اوحاضر باشد تااینکه‌درحضور اوآن‌مطلب مطرح مذاکره‌شودووزیراز آن مدافعه نماید حالادر این‌خصوص اگرچه وزیر معارف نداریم ولی‌بنده خیلی لازم می‌دانم که‌معاون وزارت فواید عامه در اینجاحاضرباشد والااگر معاون‌حاضرنباشدواینمطلب مطرح شود گمان می کنم اگر بر بخوریم بیك محظوراتی‌بازیك وقتی ازمجلس تلف کرده‌ایم‌وهیچ ثمری نخواهد داشت .

نایب‌رئیس — نظر باینکه‌این‌مطلب‌درزمان آقای صنیع‌الدوله پیشنهادشده‌بود وراجع بخودشان هم‌بود باینجهه مایل‌نبودند که در اینخصوص دفاع نمایندوچون مخبر کمیسیون‌حاضرهستندودفاع‌میکنند دیگر گمان نمیکنم وجودایشان یاوجودمعاون‌وزارت فوائدعامه لازم باشد .

حاج سید ابراهیم — بنده می خواستم عرض کنم درجلسه گذشته آقای رئیس درباب‌دستور امرور فرمودندوبنده‌شنیدم مسئله‌استخدام‌مستخدمین بلژیکی بود .

نایب رئیس - آنمسئله‌هم‌یك جزءازدستور است خوانده میشود .

ارباب کیخسرو - آن اظهاررا که‌فرمودند در هیچ‌جای نظامنامه چنین اجازه داده نشده است که وزیر فواید عامه اگر خودش امتیازی بخواهد کمیسیون برای او دفاع کند بعلاوه عرض میکنم اگرآقای صنیع‌الدوله آنروز وزیر فواید بودندو این را تقدیم کردند امروز وزیرمالیه هستند حالا اگرچه‌وزیرفواید عامه‌نداریم‌ولی معاون‌آن وزارت که هست بایدحاضر شود و در موقع مذاکره توضیحاتی که لازم‌است بدهدومدافعه نماید .

آقا میرزا ابراهیم خان - البته آقای ارباب درنظر دارند که درشور اول در تمام مواد امتیاز طلاشوئی کوه رزشور شده و مذاکرات بعمل آمده است فقط چیزیکه باقیمانده بودو باین جهة بکمیسیون رفت این بود که حدود و حوزه تفتیش را که می‌خواستند معین‌نشده بود از اینجهة رجوع شد که حدود حوزه تفتیش معین‌شودو مدت ها مانده بود ودرجزء دستور گذاشته نشده بود و حالا جزء دستور گذاشته شده است وچیزیکه‌دراین راپورت دویمی کمیسیون راپورت‌داده است‌همان حدود حوزه امتیاز است راپورت کمیسیون فواید عامه راجع بطلاشوئی کوه‌رز واقعه‌در کویه‌مرکزی وحوالی (طروت) قرائت‌شد کمیسیون مواد آن را بقرارذیل پیشنهاد کرده‌بود ماده امتیازطلاشوئی

قطعه زمین متصل به طروت که در شمال آن محل واقع‌است وفضای آن ٤ فرسخ در چهار فرسخ می باشد در مدت سی‌سال شمسی بمرتضی قلی خان و صنیع‌الدوله داده‌میشود .

ارباب کیخسرو ـ اینجا نوشته شده است امتیاز طلاشوئی قطعه‌زمینیکه درشمال آن محل‌واقع است بنده‌عرض‌میکنم که درامتیاز دادن یك‌مرکزی باید معین شود که حدود آن را از روی مرکز معین کنند وبنده میخواستم عرض کنم که (طروت) اسم آن مرکزی‌است که‌معین کرده‌اند یا اسم‌حوالی آنجاست .

منتصر السلطان ـ (طروت) اسم آن نقطهٔ است که آن معدن درآنجا واقع است .

محمد هاشم میرزا ـ بنده میخواستم‌عرض کنم که چون نمایندگان ازنقاط مختلفه میایند از اینجهت بخوبی از این مطلب اطلاع ندارند آقای ضیاءالممالك وکیل سمنان ودامغان حاضرند خوب است اجازه بایشان‌بدهند که ترتیب آنجا رابگویند که اینقدر دراین خصوص مذاکره نشود و الا گمان ندارم آقای مخبر بتوانند از عهده جزئیات برآیند .

آقا میرزا ابراهیم خان ـ چون این امتیاز طلاشوئی که‌دراینجانوشته شده است‌دراراضی کویر مرکزی است و دراراضی کویر مرکزی همانطور که خاطر آقایان مسبوق است فقط نقطه را توانستند معین کنند که مشارالیه باشد . (طروت) بوده است که در جنوب این اراضی واقع‌است یعنی درجنوب غربی و الا درسایرجهات دیگرش نقطه که‌بتواند مشارالیه وفاصل حد باشد ندارد حدودش منتهی میشود بکرمان وسیستان‌تنها جائیکه بتواند ممیزاین نقطه باشد همان (طروت) است که این اراضی درشمال آن واقعست .

افتخار الواعظین ـ درچنین‌یك‌امتیازمهمی که داده میشود بنده صلاح نمیدانم که نوشته شود امتیاز قطعه‌زمین‌طلاشوئی کوه رز وفضای آن‌چهار فرسخ درچهار فرسخ‌است‌این معین‌است که‌ازطرف شمال وازطرف جنوب وازطرف مشرق و ازطرف مغرب این محل به بعضی نقاط و بعضی کوهها و تپه‌ها منتهی‌میشود و درهمان امتیاز نامه بایدجهات اربعه‌اش را معین کنند وحدی برای آن قراربدهند واینکه آقای آقامیرزاابراهیم‌خان فرمودند این‌دلیل نمیشود براینکه چون آنجا در کویر واقع است ممکن نشود حدی برای آن معین کرد و با این ترتیب که دراینجا معین شده بنده هیچ نمی دانم که آن زمینی که داخل درحوزه امتیاز میشود تا کجا است وبنده چقدر از این اراضی را امتیاز میدهم وعرض میکنم تاحدود اربعه حوزه این معین نشود که ازطرف مشرق بکجا منتهی میشود و ازطرف شمال‌وهمچنین‌ازطرف مغرب وجنوب حدودش کجا است بنده که‌نمی توانم در این خصوص رای‌بدهم وتصویب کنم .

ارباب کیخسرو ـ گویا نظر آقایان‌باشد در وقتیکه امتیازطلاشوئی آستانه عراق آمداینجا ابتدا آنرا مثل همین باینطور یعنی بیك قسم‌غیر معین نوشته بودند وبالاخره منتهی باینجا شد که یك نقشه از آنجا نشان بدهند حالا خواهند گفت که این چون درکویر واقع است نقشه ندارد بنده عرض میکنم خودگومر که‌لابد بیك جائی منتهی‌می شود آن شهرهائی‌که درحدود کویراست از روی خطوط معین ممکن است یك نقشه بکشند و باید درکمیسیون ضبط باشد اگرچه البته نقشه‌از آن دروزارت‌فوائد عامه خواهدبود ولی در کمیسیون هم باید ضبط‌باشد حالامیخواستم از مخبر کمیسیون سئوال کنم‌که همچه نقشه درکمیسیون ضبط هست یا خیر ؟

منتصر السلطان ـ در خصوص‌این حدودی که دراینجا ذکر شدکه‌بایدمعین‌شود چون‌صاحب این امتیاز درچیز راخواسته است یکی حق‌تفتیش ویکی امتیاز طلاشوئی اما حدود تفتیش که از قراریکه آنجا نوشته شده است . در حدود (طروت) و (چندق) و (دستجرد) و (سیاه‌کوه) حق تفتیش داده شده که مدت پنجسال در اینحدود تفتیش نماید وهرمعدنی را که کشف‌کرد امتیاز آن باو داده شود ودرآنجائیکه حق طلاشوئی را امتیاز میکرد یکقطعه زمینی است که معین کرده ایم‌و در آن قطعه زمین هم جای‌معینی نیست که‌ازروی‌آنحدود او معین شود فقط یك‌قریه درنقشه نوشته شده‌است که (طروت)باشد ودیگر نقطعه دیگری که‌معروف‌باشد وبشود که‌مادر اینجا بنویسیم درآنجا پیدا نکردیم و چهار فرسخ در چهار فرسخ از این قطعه زمینی‌را که معین شده‌است ودرشمال غربی (طروت) واقع است امتیازش را میدهیم و این بعقیده بنده محل اشکالی نخواهد بود .

ضیاءالممالك ـ (طروت) تا کوه زر ده‌فرسخ راه است و تا آنجا ده پارچه ده است ربطی (بطروت) ندارد .

محمدهاشم‌میرزا ـ دراینموضوع‌همانطوریکه آقای‌آقا میرزا ابراهیم خان‌اظهار کردنددر تواریخ ما مثلا حمدالله مستوفی وسایرین که‌تاریخ نوشته اند بهمین اسم نوشته اند علامت وآثار هم دارد وازبابت اینکه درآنجا هاآبادی نبوده است در سابق بر این قریه که‌باسم طروت است موسوم شده وباینجهة هم امتیاز باین اسم آمده است اماچیزیکه‌مخبرفرمودند از چندق تادامغان شصت‌فرسخ میشود ولی‌ازدستجرد تا اینجا این اندازه نیست و اما در مسئله تعیین محل بطوریکه آقای ارباب گفتند ممکن است معین کرد که چند فرسخی (طروت) است‌اگرچه اطراف‌طروت خیلی از جاها است که علامات صنعتی از قبیل کوه ودریا ندارد ممکن است که‌معین کنید از روی نقشه او تکلیف هم همین است که معین بکنید که اسباب مناقشه بعد ها نشود و ممکن استکه مهندسین این را معین کنند بواسطه خطوط مستقیم یامنحنی یابهر ترتیبی که دایرهٔ بکشند وبیك جائی منتهی کنند که بتوان تعیین کرد .

حاجی‌سیدابراهیم ـ بنده مخالف تمام این مذاکرات هستم بجهة این که‌فرض کنید حوزه امتیاز صد فرسخ درصد فرسخ است اگر ملاحظه صرفهٔ‌دولت را باید کرد که‌درچهار فرسخ درچهار فرسخ هم نباید رای بدهیم یعنی اگر صرفه‌نباشد واگر ملاحظهٔ املاك شخصی مردم را باید بکنیم همانطوریکه درصد فرسخ ملاحظه داریم در چهار فرسخ هم باید ملاحظه داشته باشیم ولی همین‌قدر که‌ما می خواهیم این‌فلز از زیر زمین خارج‌شده ثروت مردم زیاد شود و بدست مردم بیاید نباید این اندازه سخت بگیریم واینجا هم که معین کرده استکه قطعه زمین متصل بطروست که چهار فرسخ درچهار فرسخ می‌باشد دوفرسخ آنطرف دوفرسخ این‌طرف والا این‌قدر خصوصیتی ندارد که ماباین قدر در آنمذاکره کنیم بنده عرض میکنم وسط‌هم پیداکرد دوفرسخی هم جلوتر رفت بازهمین‌شرایط است پس‌باین‌جهة‌بنده‌این‌مذاکرات را مفیدنمی‌دانم ولی یك مسئله را می‌خواستم عرض کنم و آن این است که در کویر مرکزی که تقریبا یك حدش می‌رود تایزد وخیلی بزرك است خیلی رشته های مختلف دارد واین‌را از اینجا فقط باسم کوه‌زر نوشته‌اند مقصودشان همان کوه زرو طلاشوئی است وخوب است امروز اینقدر دراین خصوص مذاکره نکنیم بلکه زودتر بگذرد .

منتصر السلطان ـ خواستم‌عرض کنم که این امتیاز که اسمش را گذاشته‌اند امتیاز کوه زر این درکویر مرکزی واقع است وبعلاوه‌معین طلا هم در آنجا هست و همین طوریکه شاهزاده محمدهاشم میرزا فرمودند علامات وآثار در آنجا خیلی هست ودر آنجا چاههای صدزرعی و دویست زرعی هست همانطوریکه درتاریخ نوشته شده‌است که درآن چاهها کار کرده‌اندوقریهٔ طروت درشمال غربی دامنه کوه زر واقع است و بواسطه آمدن باران ریزش کرده و ریزه های طلا در آنجا پیدا شده است ودر این چهار فرسخ در چهار فرسخی که درآنجا نوشته شده است نه‌آبادی وغیراز طلاشوئی هم‌کار دیگری ندارد .

معاضدالملك ـ بنده دراین باب بامخبر کمیسیون موافقم ولیکن می‌خواستم ازطرف‌ادارهٔ تندنویسی از آقایان تقاضا کنم آقایانیکه نطق مفصل دارند ومی‌خواهند نطقشان صحیحاً ضبط‌شود تشریف بیاورند بمجلس که‌هم نطقشان صحیحاً‌ضبط شود وهم مطابق نظامنامه داخلی‌رفتار کرده‌باشند .

حاج شیخعلی ـ آنچه اطلاعاتی را بنده‌از این حدود تحصیل کرده‌ام عرض میکنم که آقایان مطلع شوند تقریباً بیست فرسخ از دامغان که به سمنان می‌رود (طروت است) وطروت که نوشته‌اند گویا غلط است آنوقت چهار فرسخ که روبکویر می‌رود آنجا یك‌محلی است که اسمش (زره) است که گویا این معدن درهمانجا است آن نقطه را که اول امتیاز دادیم آثار عتیقه داشت حالا یاازمعدن بود یااز رودخانه اما این جا یك کوهی است که اطرافش جمیعاً بیابان است واسم او (زره) است و خاك‌های اورا همین طوریکه می گویند وقتی که می شویند ذرات صغیره طلا در آنجا پیدا می‌شود حالا این‌تا بچه‌اندازه که بروند همین‌خواص درآن هست اطلاع ندارم طرف جنوب‌شرقی آن تا دامغان تقریباً بیست فرسخ می‌شود واز (زره) تا (طروت) چهار فرسخ می‌باشد .

آقامیرزا مرتضی قلیخان — اولا عرض میکنم که این مسئله هیچ مناسبت بآن مسئله طلا شوئی ندارد و نباید بهم قیاس کرد بجهة اینکه این یك محل مخصوصی بود که اطرافش تمام ملك و آبادی بود و این یك قطعه زمینی است که بکلی لم یزرع است و آبادی آنجا وقتی است که شتردار از آنجا عبور کند شترانش را بچراند آب هم ندارد آب خودشانرا هم از جای دیگر میآورند شتردارهم که عبور میکند آب خودش را باید حمل کند بنده رفته‌ام میدانم چه جائی است هشتاد فرسخ طول کویر مرکزی است در شصت فرسخ و این نقطه در کویر واقع است گرچه قدری از این قطعه زمین از کویر خارج می‌شود لیکن باز آنجا هم کویر است لیکن کویر سختی است اما اینکه میگویند طلا شوئی است اینرا خیلی تعجب میکنم گویا اسم طلاح شده است که این را طلا شوئی بگویند عرض کردم در آنجا باید آب خوردن را حمل کنند در یك چنین زمینی چطور آب پیدا میشود که زمین را بشویند که طلائی بدست بیاید مگر یك وقتی که بهار باشد باران شدیدی بیاید که سیل خیز باشد آنجاها آب ببیند سیل هم که یك جائی توقف نمیکند که بروند با آن طلاشوئی کنند پس این طلاشوئی است یا معدن طلا اما این اشکالاتی که کرده اند در باب تعیین محل بنده همین اشکال را در اینخصوص دارم در هر صورت برای اینکه همینطور که غیر معین گفته شود در سمت شمال قریه طروت چهار فرسخ در چهار فرسخ این خیلی مجمل است اما اگر بخواهیم حدود معین کنیم آن اطراف دهات ندارد که بآن علامات معین کنیم فرضا نقشه هم آوردند و یك زمین قاعا صفصفی بشما نشان دادند شما چه فایده از آن حاصل می کنید فقط کوه زریك محلی است معروف و معین چون هنگام باران که میشوید این کوه را ذره های طلا در آن دیده می‌شود باینجهت موسوم شده است بکوه زربنده رفع اشکال را بنظرم اینطور میرسد که نوشته شود این طلاجوئی یا معدن طلا معین ومحصور در چهار فرسخ در چهار فرسخ است و وقتیکه خواستند بروند کار بکنند مأمور وزارت فواید عامه برود حدودش را معین کند که از آنحدود تجاوز نشود بجهت اینکه شاید دیگری هم بخواهد در آنحدود امتیازی بگیرد یا خود دولت بخواهد در آنحدود کار بکند پس خوبست بهمین ترتیب نوشته شود.

منتصر السلطان — دراینخصوص دقت‌هائی که آقا میرزا مرتضی قلیخان فرمودند شده حتی مفتشی که آقای صنیع الدوله وزیر فرستاده بودند برای تفتیش یك اندازه از اراضی را زیادتر جزء امتیاز نوشته بودند بجهة اینکه اسباب گفتگوئی در آتیه نشود و در اطراف این نقطه طلاشوئی ابداً ملکی که مالك داشته باشد یا یك قریه نیست و رئیس کمیسیون هم مخصوصاً گرفتند از روی نقشه دیدند در اطراف این نقطه ابداً آبادی نیست فقط دو آبادی در آن حوالی است و نقشهٔ آن اراضی ده فرسخ در ده فرسخ کشیده شده در کمیسیون حاضر است ممکن است بعرض مجلس برسد.

دکتر اسمعیل خان - ایرادی که آقای ارباب و سایرین فرمودند بنظر بنده خیلی بجا است که نقشه میخواهند ودر طلاشوئی عراق هم نقشه آوردند بمجلس و این هم که میفرمایند ممکن نیست نقشه معین کند اینطور نیست کمیسیون سابق خواسته بود یك نقشه صحیحی بدست بیاورد ولی چون یکحدود معینی در آن اطراف ندارد که بگوید این قطعه بکجا منتهی میشود ولی من تا روز شنبه یك نقشهٔ که بشود از روی آن یك درجه تخمین کرد بنظر مجلس خواهم رساند.

کاشف - حالا فقط میتوانیم در مدت صحبت کنیم والا باقی مذاکرات باید باشد برای وقتیکه نقشه را بمجلس آوردند.

نایب رئیس - پس رای در ماده اول میماند تا پس از آوردن نقشه.

دکتر اسمعیل خان — فقط رای در حدود این امتیاز میماند تا پس از آنکه من نقشه را آوردم دراین موقع که پیشنهاد ذیل را که جناب آقا میرزا ابراهیم خان کرده قرائت شد - این بنده پیشنهاد می کنم که در ماده اول اینطور نوشته شود ماده (۱) وزارت فوائد عامه بجناب صنیع الدوله اجازه میدهد که در اراضی کوه زر طلاشوئی نمایند (۲) حدود این طلاشوئی از مرکز کوه از شانزده فرسخ مربع است که چهار فرسخ در چهار فرسخ است.

دکتر اسمعیل خان - همینطور که عرض کردم بطور تخمین معین نخواهد شد باید یك قطعه معینی را روی نقشه معین کرد که تا از طرف جنوب بچه مسافت بکجا منتهی میشود و از طرف شمال بکجا منتهی می‌شود عرض کردم این راهم بنده تا روز شنبه خواهم آورد حالا در مدت می توانیم رای بگیریم.

آقا میرزا ابراهیم خان بطوری که مکرر اینجا عرض کردم که غالب آقایان نقشه کویر مرکزی را ملاحظه کرده‌اند میدانند که در آن نقطه که ما از آن حرف میزنیم بجز آن نقطه معروف بکوه رز و بجز آن نقطه معروف بطروت جائی که آنرا ممیز وحد قرار بدهیم نیست یك صحرائی است که یك طرفش منتهی میشود بفارس یك طرفش منتهی میشود بکرمان یکطرفش منتهی می شود بخراسان ونمیتوان دروسط اوجائی را تصور کرد که مشارالیه باشد ازبرای تعیین یکحدی نه کوهی دارد نه درهٔ دارد نه آبادانی دارد بهیچوجه من الوجوه قابل رستن گیها نیست بجز این قطعه زمینی که معرف الارض بمانشان می‌دهد که در اینجا بواسطه انقلابات دنیا وبواسطه زیرو رو شدن زمین یا زیر ورو کردن بعضی ازطبقات زمین بعضی از ذرات طلائی دارد این هم شبیه نباشد که در روی زمین طلائی نیست بواسطه حفر چاه ها ممکن است ذرات طلا یافت شود و بنده تصور می کنم که هر قدر مباحثه و مدافه کنیم بجز آن نقطه معروف بکوه رز و آن نقطه معروف بطروت جای دیگر نداریم که حدی برای آن امتیاز قرار بدهیم این بود که بنده این پیشنهاد را کردم که بگوئیم حدود این طلاشوئی از مرکز کوه زر درصورتیکه آن نقطه معروف بکوه زر را مرکز قرار بدهیم شانزده فرسخ مربع است که میتوانند حفر چاه بکنند یا طلاشوئی بکنند همینطور که صاحب امتیاز تقاضا کرده اند امتیاز چهار فرسخ در چهار فرسخ باشد خوب است اینداده امروز بگذرد و گمان میکنم اگر نقشه هم بیاید زیاد از آنچه امروز معین شده است از ملاحظه نقشه چیزی معلوم نشود و اگر نظر مبارك آقایان باشد تمام مذاکرات در ماه ربیع الاول در دفعه اول شده است نهایت چون تا بحال طول کشیده است ودومرتبه این بمجلس آمده است مطالب فراموش شده است.

افتخار الواعظین - پس از آنکه رئیس کمیسیون فوائد عامه تعهد میکند که نقشه این را تا روز شنبه بدهد دیگر نمیدانم چرا مخالفند واینطور میفرمایند البته ما از روی نقشه معینه امتیاز بدهیم بهتر است از اینکه علی العمیا امتیاز بدهیم

محمد هاشم میرزا - بنده آنوقتیکه اجازه میخواستم بعرض نکردم نظرم باین بود که نقشه از کمیسیون میآید ولی حالا عرض میکنم درصورتیکه اطراف آنهم آبادی نباشد باز ممکن است از روی قواعد علم هندسی معین کنند روی نقشه پس بهتر این است که آقایان بگذارند که نقشه بیاید

دکتر اسمعیل خان — بنده مخالفتی با آقا میرزا ابراهیم خان ندارم فرمایشات ایشان صحیح است ولی اینکه فرمودند کوه زر در حدود داخلی کویر است ونمیتوان حدی از برایش معین کرد بهمین دلیل عرض کردم ممکن است در نقشه کوه زر را مرکز قرار داد بعلاوه ممکن است بعضی نقاط دیگر پیدا کنم که آنجاها را هم حد و نمیزی قرار بدهیم عرض کردم نقشه تا روز شنبه تقدیم میشود در اینموقع پیشنهادی از آقای میرزا مرتضی قلیخان بعبارت ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم که ماده اولی این قسم نوشته شود امتیاز طلاشوئی قطعه زمین کوه زر در شمالی قریه طروت که چهار فرسخ در چهار فرسخ مساحت داشته حدود آنرا مأمور مخصوص وزارت فواید عامه قبل از شروع بکار باید معین نماید در مدت سی سال شمسی بمرتضی قلیخان صنیع الدوله داده میشود (مرتضی قلی)

نایب رئیس - در واقع گذشتن سایر مواد فرع گذشتن اینداده است ویا اظهار یکه آقای رئیس کمیسیون وسایر آقایان کردند گویا صلاح این باشد که بماند برای روز شنبه که نقشه این امتیاز را حاضر نمایند در حضور معاون وزارت فواید عامه مذاکره شود حالا راپورت کمیسیون خارجه در باب مستخدمین بلژیکی قرائت میشود راپورت مذکور بعبارت ذیل قرائت شد کمیسیون خارجه درجلسه دهم دیقعده منعقد ولایحه وزارت مالیه را درباب استخدام چهار نفر بلژیکی برای مدت سه سال درعوض مسیو لیش رئیس گمرك بندر جز که فوت شده است ومسیو هرمان رئیس گمرك ارومی و مسیو کاترسل رئیس گمرك بندر لنگه که کنترات آنها تجدید نشده است ویکنفر رئیس برای گمرك اهواز مطرح مذاکره قرارداده چنانکه سابقاً هم درباب استخدام یکنفر بلژیکی برای گمرك اهواز راپورت داده بود

وزارت مالیه نیز تصویب مینماید که یکنفر بلژیکی برای گمرک اهواز بمبلغ هشت هزار فرانک سالانه ویکنفر عوض‌مسیو لیش و یکنفر عوض مسیوهرمان که ۱۲هزار فرانک حقوق داردو مسیو کاترسل رئیس‌بندر لنگه هم ازخدمت‌مرجوعه منفصل شده‌اند وچنین تقاضا کرده که بجای این‌سه نفر اشخاص دیگر از اهل بلژیك برای خدمت‌این سه محل مستخدم‌شوند همچنین‌یکنفر مستخدم‌جدید برای گمرك اهواز لازم دیده‌اند که استخدام‌شود باوزارت مالیه سابق هم مذاکره کرده اند و نیز اظهار داشته که معادل کنترات مستخدمین جدید عین معادل کنترات مستخدمین سابق خواهد بود ترتیب مقرری آنها هم طوری داده خواهد شد که ازمبلغ کنترات سابق تجاوز نکنند چون انجام‌این فقره منوط باجازه وتصویب مجلس مقدس است‌لهذا مراتب را عرض وپیشنهاد میکند که بهرطور اجازه میفرمایند زودتر جواب را مرقوم دارند که‌تکلیف وزارت مالیه شده آن‌را مجری دارد - ایضاً مرقومه وزارت‌مالیه‌روشن‌پنجم‌شهر رمضان(مجلس‌مقدس‌شورای ملی) چندی‌است‌که ازطرف‌اداره گمرکات‌درخصوص استخدام مستخدمین جدید بلژیکی متواتراً بوزارت مالیه اخطارات میشود ولزوم انجام این مقصود را تذکار مینمایند و موضوع پیشنهاد اداره گمرك در اینمورد برسه قسم است یکی آنکه مستخدمین سابق که برحسب کنترات دخیل خدمت بودند و مدت کنترات آنها منقضی شده باید تجدید شوند که باتکالیف ثابته مشغول‌کار باشند دیگر اینکه درجزو مستخدمین سابق سه نفری هستند که مسیو مرنارد ازخدمات آنها رضایت ندارد و باید بجای آنها اشخاص لایق ممتحن استخدام شود ولامحاله تبدیل باحسن باشد دیگرآنکه اداره گمرك‌بموجب لایحه که موادش از لحاظ وکلای محترم میگذرد مدعی است که گمرك اهواز ازحیث واردات‌دراین دو سه‌ساله وسعتی پیدا کرد وترتیب امورات‌اداری آن بواسطه اهمیت مستلزم این است که در قبضهٔ اختیار رؤسائی (اروپائی) باشد و باینجهة یکنفر رئیس برای انجام کار های گمرکی آن صفحات لازم است استخدام شود واینك سواد مراسلهٔ که اخیراً ازاداره گمرك‌دراینخصوص‌رسیده‌وحاوی‌ضمائمی متضمن سوابق این مقصود است تلواً ایفاد داشت ولزوماً مستدعی میشود که درجلسات این ایام این فقره را مطرح مذاکره قرار داده دقت و تحقیقی که دراین باب لازم است بفرمایند بهر طور که مقتضی و صلاح دیدند مراتب را زودتر تصریح و مرقوم فرمائید که وزارت مالیه از آنقرار بااطلاع وزارت امور خارجه ترتیبات اینکار را انجام دهد در خاتمه ذریعه استدعای صدور جواب عاجل را تجدیدمیکند [حکیم‌الملك]

حاج‌سیدابراهیم — عقیده بنده این‌است که کمیسیونها اگر یك اندازه مراعات حقوق و وظایف خودشان را بنمایند بهتر و بیشتر کار ها پیشرفت‌میکند دراینگونه‌مطالب اگر ازحیث‌ملیتش مذاکره باشدباید بکمیسیون خارجه برود ودرباب ملیتش گویا مجلس‌حرفی نداشته باشد که ازبلژیکی ها باشد ولی ازحیث حقوقش باید برود بکمیسیون بودجه درآنجا ازاین‌حیث ملاحظات‌بشودو کمیسیون خارجه هم مسامحة ارباب اینکه بین کمیسیونها فرقی نیست این راپورت را نوشته اند و داده اند واین صلاح نیست‌بجهة اینکه کمیسیون بودجه اگر تمام اموریکه راجع بمالیه است بآنجا نروددرواقع بوظیفه‌خودش‌عمل نکرده است بعلاوه ازخرج‌ودخل مملکت اطلاع کامل حاصل نمینمایدواسباب‌این‌میشود که‌بعضی ازمخارج ازحوزه اطلاع‌او خارج میشودواز این جهة بنده در این پیشنهاد رأی‌نمیدهم‌و عقیده ام این است که‌باید بکمیسیون بودجه برود اوظریاتش را بکند بعد برگردد بمجلس‌امادرخصوص‌مسیوهرمان که عوض‌اوراهم‌بدوازده‌هزارفرانك‌نوشته‌است‌استخدام میشود بنده وجه فرق او را با سایرین نمیدانم چون باید شخص ابتداء استخدام شودیکنفر بدوازده هزار فرانك چندنفردیگر بهشت‌هزار فرانك آیا فرق این باآنها بجهة اهمیت‌کاراست یابجهت اهمیت محل‌است این را بنده فرق نمیگذارم بین بندر لنگه و ارومیه احتمال میدهم اینهم بواسطه‌نیامدن بکمیسیون‌بودجه است احتمال دارد آنکس‌راهم‌که‌از اول برای‌ارومیه استخدام کرده‌اند بهشت هزار فرانك بوده است بعد بواسطه طول‌خدمت منتهی بدوازده هزار فرانك شده است حالا ما میخواهیم یکنفر استخدام کنیم از اول نباید دوازده‌هزار فرانك بدهیم در اول استخدام این نباید برگشت بآخر استخدام آنکه قبل ازاین‌بوده‌و حقوق اورا در آخر استخدام از برای اول استخدام این تصویب کرد.

حاج‌عزالممالك — بنده عرض میکنم‌برای معمره یکنفربلژیکی خواستند وتحصیل کردند حالا برای اهواز هم تقاضا کرده اند در صورتیکه این گمرك هم جزء معمره است و گمان‌نمیکنم که‌این دو نقطه دونفر بلژیکی لازم داشته‌باشند مابایدسعی کنیم هرچه ممکن‌است ایرانیهارا باین خدمات وارد کنیم باینجهة بنده یکنفر بلژیکی‌را برای بندر اهواز زائد میدانم.

معزالملك — خوب‌است‌مکتوب‌وزارت‌مالیه مجدداً خوانده شود مکتوب وزارت‌مالیه‌قرائت‌شد.

افتخارالواعظین — درآن‌استخدام‌سابقین که‌در مجلس خیلی مذاکره شد بنده گمانم این بود که فقط نظرمان باین بود که از برای اینها یك اضافه حقوقی منظور شود که‌آن‌اضافه‌حقوق خارج ازقانون ازیك حدی بود اما در اینجا آن حرفها نیست بجهة اینکه اگر وزارت مالیه استخدام چهار نفر را لازم نمیدانست بهیچوجه بمجلس‌شورای‌ملی اظهار نمیکرد ودر صدد استخدام بر نمیآمد که‌چون یکنفر رابرای محمره استخدام کرده‌اند واو کافی‌خواهدبود حالا یك نفر دیگر را برای اهواز استخدام نمایندودرخصوص حقوق آنها اینطور است که‌آقای حاجی‌سید ابراهیم گفتند باید برود بکمیسیون بودجه وببینیم کمیسیون بودجه چه‌تصویب میکند معلوم است وجود چهار نفر بلژیکی راوزارت مالیه احساس کرده است و حالا تقاضا میکند از مجلس شوراکه باو اجازه داده شود چهارنفر را استخدام‌نمایدودرباب‌مواجب‌اینهامینویسد که‌عین همان هشت هزار ودوازده هزار فرانك سابق داده خواهدشددراینصورت‌بنده گمان‌میکنم این لایحه محل گفتگونیست‌وجای‌مذاکره نخواهدبودبعد ازآنکه چهار نفر را بشرایط سابقین استخدام مینمایند جای مذاکره نخواهد بود.

شیخ‌اسدالله — در اینخصوص بنده عقیده ندارم که‌باین‌زودی‌در آن رأی‌بدهیم‌بجهة‌اینکه‌در خصوص کنترات سابقین همه‌معلوم شد چندنفر از آنهارا لازم نداریم و اینهم باجمال مانده است باید بدواً برود بکمیسون بودجه آنجابه‌بینیم چه تصویب‌میکنند‌بعداز آن بمجلس بیاید به‌بینیم‌چه‌تصویب‌میشود ودرخصوص خود اشخاص که‌به‌بینیم آیا لازم‌داریم یالازم نداریم‌از قراریکه آقای مؤتمن‌الملك میفرمایندلازم داریم لکن درباب عده‌ودرباب حقوقشان‌بایدبرودبکمیسیون‌بودجه و رأی آنها بمجلس بیاید لکن در باب اصلش بنده حرف ندارم.

ارباب‌کیخسرو — در باب این نقطه که آقا شیخ اسدالله گفت نمی‌دانم آنها را لازم داریم یا نداریم بنده عرض می کنم در صورتیکه لازم نداشتم یا وزارت مالیه مدافه خودش را اظهار نمیکردند و در خصوص مستخدمین خارجه از برای دولت به صرفه دولت است فقط مخارج آن را باید ملاحظه کرد و آن صرفه ها از آنها بدست می‌آید و در مقابل‌نگاه‌داشتن حسابهای صحیح‌آن صرفه ها را هم باید ملاحظه کرد و از این جهة بنده تقاضا می‌کنم که زیاد از این در این باب مذاکره نشود.

اسدالله‌خان - بنده این ترتیبی که می‌بینم در خصوص استخدام مستخدمین بلژیکی آمده‌است از ترتیبی که در دوره استبداد بوده بد تر است بواسطه اینکه آنوقت که صدر اعظم یا وزیرامور خارجه این کارها را میکردند هر عده راکه رئیس گمرك لازم می دانست بهر طوری که می خواست پیشنهادبآنها میکرد وآنها بهرترتیبی‌که‌می‌خواستند عمل می کردند و رئیس گمرك سعی می کرد که‌آنها را از تصویب‌آنها بگذرانند و اگر آقایان‌اطلاع داشته باشند سالهای اول محدود شد بعد باینکه در ایالات مهم که آذربایجان و خراسان و جاهای دیگر بوده رؤسای گمرك اروپائی باشند و کار بجائی‌رسیده است‌که امروز ما می‌بینیم برای گمرك اهواز یك مستخدم اروپائی می‌آوریم درصورتیکه دفتر شانزده هزار تومان عایدی در سال آن قدر اهمیت ندارد که برای آن یك مستخدم اروپائی بخواهیم و این ترتیب که ما ار برای بندر جزءهم مستخدم اروپائی می خواهیم ترتیب کار ما بجائی

خواهد کشید که مستخدمین خودمانرا که می‌خواهیم انشاالله تمام ایرانی باشند باکمال افسوس حاکم صاحب منصبان موسوی را در قشون فرانسه خواهند پیدا کرد که بآنها بیش از درجه (کاپی تانی) نمی دهند ولو هر چند استحقاق داشته باشند ما هم زیر دست آنها جای آنها را پیدا خواهیم کرد ودرتحت نفوذ وقدرت آنها خواهیم ماند و اگر بخواهیم رفع احتیاج خود را از آنها بنمائیم نمی‌توانیم بهتر اینکه دفتر اینها را وزارت مالیه بخواهد وقطعه بندی کند وبعد ایالات مهمش را هم معین کند که درهر ایالتی چه عده لازم دارند از آنرو معین کنند خودشان رامصمم بکنند که بگویند ازبرای ایالت آذربایجان دونفر یاچهارنفر که هرروزیك چنین تقاضائی نشود معین شود که ازبرای ایالات درجه دوم چند نفرازبرای ایالات درجهٔ سوم چند نفر لکن ترتیب در ده پانزده سال بعد که تشکیل اینها رابخواهید معلوم می‌شود صدی پانزده براین اجزاء افزوده شده است مثل اینکه درهزار و نهصد وچهاربا ینطرف صدی بیست بعده اینها افزوده شده است واینها درهر موقع از آنجائیکه میخواهند خودشانرا معرفی کنند و بوسائلی داخل کنند یك موقعی را ملاحظه می کنند که می توانند چیزی را بما بقبولانند این است که همین طور تقاضا می‌شود وبنده عرض می‌کنم درایرانیها هستند اشخاصی که خیلی خیلی بهتر از آنها ازعهده کار بر می آمدند لکن چون آنها اخلاق مارا یاد گرفته اند جای آنهارا می گیرند بهمین ترتیب در ادارات پر میشوند ویك وقتی ملتفت می‌شویم که جز افسوس برای ما فایده نخواهد داشت.

شیخ غلامحسین — بنده تصدیق می کنم نظریات آقای اسدالله خان رافقط عرض می کنم مدافع این کی است .

وزیر امور خارجه — اینمطلب اگر چه از وظیفه من خارج است وباید وزیر مالیه باشد ولی بنده اساسامی گویم که وجود این چهارنفر خیلی لازم است واینکه اسدالله خان اظهار داشتند که ما ازاینها فایده نمیبریم وبرعدهٔ اینها افزوده شده است بنده می‌خواستم عرض بکنم بهمین جهه برمبلغ عایدات گمرکی افزوده شده است و بنده عرض میکنم که بلژیکیها خیلی خوب خدمت کرده‌اند وخیلی بموقع است که امروز رأی بدهند و کنترات اینها را تصویب نمایند بطوری که وزارت مالیه پیشنهاد کرده است .

اسدالله خان — بنده توضیحی دارم اجازه بفرمائید ..

نایب رئیس — بفرمائید .

اسدالله خان — بنده منکر این نیستم که مستخدمین بلژیکی در این مملکت کار نکنند منکر این هستم که ازبرای هرنقطه مستخدم بلژیکی بیاورند مثلا ازبرای بندر جزیك نفر که کارش ابداً درادارهٔ گمرك نبوده است ازبلژیك آوردند باینکار مشغولش کرده‌اند درصورتیکه یکنفر فرانسوی که از کوچه اورا پیدا م کردند آنرا هم میگذاشتند می توانستند همان مقداریکه آن بلژیکی رفع احتیاج می کرد آ فرانسوی بکند وآن مسیولیش را که ازبرای صندوق پست آورده بودند ازبلژیك همینکه ادارهٔ صندوق بهم خورد گفتند یك دفتر کوچکی را باو بدهیم چه ضرر دارد وقس علیهذا همینطور مسیو هرمان راکه برای ارومیه آوردند این یك فرع زائد بر اصل است که می‌شود عرض بنده این است که مایك ایرانی نداریم که یك اداره‌ای را که شانزده هزار تومان عایدی دارد درسال آنرا اداره نماید دیگر باید از ایرانیها باین درجه مأیوس شد بنده عرضی ندارم فرمایش آقای نواب را که می‌فرمایند باید اضافه شود بنده تصویب نمی کنم زیرا عقیده ایشان دراغلب امور همینطور است وهیچ از برای ایشان فرق نمیکند وتصور نمی‌فرمایند که اگر شصت نفر اروپائی دریك بندر در گمرك باشد عایدی گمرك فرق نمی کند نمی توانند کاری بکنند که عایدات گمرکی زیادتر بشود مسئله تجارت یك چیزی است که ترتیب اداری زیادو کم نمی‌شود همین طور اگر سالی عایدات گمرکی نقص پیدا کند نمی‌توانند زیاد کنند مقصود بنده این است که مطالب را در نظر بگیرید و بکمیسیون مالیه رجوع کنید کمیسیون مالیه دقتی کند که این قدر مستخدمین کوچك را از اروپائی‌ها استخدام ننمایند مخصوصا سئوال کنند که این لیش وسایرین را ازقبیل مسیو هرمان اینها را از بلژیك برای ادارهٔ گمرك استخدام کردند یا دراینجا بی کاربودند آنهارا در اداره گمرك آوردند مقصود بنده این است که این مطالب را در نظر بیاوریم ویك قراری بگذاریم که یك طبقه‌بندی کنند بطوریکه عرض کردم که اجراء اروپائی ادارات شما محدود باشد آنوقت در قلیل زمانی خواهند دید که احتیاج باینها نخواهند داشت بنده عرض نکردم که احتیاج به اروپائی نداریم عرض میکنم داریم لکن در ایالات نه از برای یك ادارهٔ کوچکی وبنده میتوانم ادعا بکنم که یك نفر ایرانی دراین ادارهٔ کوچك بهتر می‌تواند کاربکند واین ترتیب که بنده می‌بینم عنقریب پیشنهادی خواهد شد که چون ازبنادر جنوب از افغانستان اسلحه وارد میکنند لازم است درآن بنادر هم مستخدمین بلژیکی گذاشته شود .

نایب رئیس — بنده این موقع را مغتنم می‌شمارم که یادآوری کنم نمایندگان محترم را که ماده ۱۰۹ نظام نامه داخلی راجع بتبرئه و رفع اشتباه است و این متعلق است بجائی که نظر بسوء تفاهم باشد درعقیده‌ای که اظهارشده است وبخواهند درآن توضیح بدهند دراین موقع بدون ترتیب و نوبت باید بآنشخص اجازه داده شود نه از برای نطقهای مفصل که خارج ازموضوع است .

حاج عزالممالك - این عدم لزوم یك نفر رابرای اهواز بنده گفتم مالازم است که بنمایندگان محترم عرض کنیم که خاطرشان مسبوق شود خود اهواز که حالا معروف است به بندر ناصری وشهریت درستی ندارد وتازه آباد شده خودش بخارج راهی ندارد عمل گمرك این راه جزء محمره است و بتوسط خط کارون مال التجاره وارد میشود به بندر ناصری وباین قسم تا بحال معمول بوده است و همان یکنفر رئیس بلژیکی که در کارون گمرکات محمره وبندرناصری راخود آن یك نفر اداره میکرده است وهمان یکنفر درآنجا بوده است بجهة اینکه از بندر ناصری تامحمره درظرف دوازده ساعت باکشتی میشود رفت وخود گمرك بندر ناصری فرضاً که خیلی عمل کند از دوازده هزار الی پانزده هزارتومان اضافه نمیشود واگر شما تصور کنید که یك چنین شهر کوچکی که اینقدر گمرك دارد یکنفر باید مستخدم شود ناچار خواهیم بود که برای سایر جاها مستخدمین بلژیکی استخدام کنیم بنده ایرانیها را خیلی بالاتر از این میدانم که این ادارات کوچك را اداره کنند چرا بایرانیهای خودمان واگذار نکنیم وعرض میکنم که شوشتر خیلی بزرگتر از بندر ناصری است ویکنفر برای محمره کافی است و گمرك ناصری لایق این نیست که مادر سال اینقدر بدهیم .

بهجت - خواهش میکنم وقتیکه درموقع استخدام چهارنفر بلژیکی اظهار میکنند فصلی ازاصول علم ثروت رادر اینجا بیان نکنند همانطور که آقای حاج عزالممالك بیان کردند ذکر مقتضیات مملکت رابکنند ولی خیلی متعجبم که آقای حاج عزالممالك مسبوق نیستند از موقع جغرافیائی و تجارتی اهواز اولا عرض میکنم موقع جغرافیائی اهواز را باید درست مسبوق شویم که خیلی اهمیت دارد کلیه چیزهائیکه ازهند میآید و درکارون وارد میشود وهمچنین کمپانی لنج وغیره و کلیه اجناسی که ازانگلیس و تمام اروپ وارد میشود دربندر ناصری که اهواز باشد گمرك میشود وامروز یکموقع مهمی پیدا کرده است بجهت این کمپانی نفت که آلات و ادواتیکه وارد میکند ازگمرك معاف است و حتماً میبایست تفتیش شود عیبش این است که وزیر مالیه اینجا نیست که یادآورش شوم که هیچ تفتیش نمیشود غالباً این بارهای سربمهر واین صندوقهائیکه بموجب راپورت هائیکه ده جزو ازبرای من رسیده است ابداً تفتیش نمیشود این بارهای سربمهر وارد میشود وما نمیدانیم مضر است یانافع وامروز ایراد میشود که برای هرنقطه یکنفر بلژیکی معین کرده اند آنجاهم بیشترند که آن بارها را ازگمرك خارج کنند حالا وزیرمالیه نیست که اظهار بدارم ووزیر پست تازه که حضرت والا باشند تشریف دارند و خودشان مقرر کرده اند که از راه اصفهان به اهواز پستی بتازگی بازشود وبنده عرض میکنم اگر اداره گمرك مهمی دراهواز نداشته باشیم اهواز ازچنگ ماخواهد رفت و ناچاریم که در اهواز گمرك داشته باشیم باینواسطه است که بنده اهمیت میدهم واهمیت گمرك آنجا از محمره بیشتر است شمانمیدانید وارداتیکه امروز برای این کمپانی نفت میآید چه چیز است وچقدر است شما نمیدانید چقدر اینمسئله اهمیت دارد این کارون علیا وسفلی است واین درهمان جائی است که اینها وارد میشود وعرض میکنم که گمرك اهواز خیلی اهمیت دارد وشایان خیلی توجه است بیش ازاین نمیخواهم حالا تصدیع بدهم همینقدر عرض میکنم که خیلی اهمیت ارد .

نایب رئیس - دومراسله ازطرف وزارتمالیه رسیده است خوانده میشود دومراسلهٔ مزبوره ازقرار ذیل خوانده شد .

www.iran-archive.com

بمقام منیع مجلس مقدس شورای ملی

(۱) چندی است که ازاداره گمرک در خصوص استخدام مستخدمین جدید بلژیکی متواتراً بوزارت مالیه اظهارات میشود و لزوم انجام این مقصود را تذکار مینمایند وموضوع پیشنهاد اداره گمرک دراین مورد برسه قسم است یکی آنکه مستخدمین سابق که برحسب کنترات داخل خدمت بودندومدت کنترات آنهامنقضی شده،باید تجدید شوند که با تکالیف ثابته مشغول کار باشند دیگر آن که در جزء مستخدمین سابق دوسه نفری هستند که مسیو (مرناد) ازخدمات آنها رضایت ندارد وباید بجای آنها اشخاص لایق ممتحن استخدام شود که لامحاله تبدیل باحسن باشد دیگر اینکه اداره گمرک بموجب لایحه‌ای که سوادش از لحاظ وکلای محترم میگذرد مدعی است که گمرک اهواز ازحیث واردات دراین دوساله حالیه وسعتی پیدا کرده وترتیب امورات اداری آن بواسطه اهمیت مستلزم آن است که در قبضه اختیارا (رؤسای اروپائی) وباین جهت یکنفر رئیس برای انجام کارهای گمرکی آن صفحات لازم است استخدام شود واینک سوادمراسله‌ای که اخیراً از اداره گمرک دراینخصوص رسیده باهمین ضمائمی که متضمن سوابق این مقصود است تلواً ایفاد داشت و لزوماً مستدعی میشود درجلسات این ایام این فقره رامطرح مذاکره قرار داده دقت وتحقیق کددر این موردلازم است بفرمائید و بهرطور مقتضی و صلاح دیدند مراتب را زودتر تصریح ومرقوم فرمائید که وزارتمالیه ازآن قرار به اطلاع وزارتخارجه ترتیبات انجام درخاتمه ذریعه استدعای صدورجواب عاجل را تجدید میکند.

(حکیم الملك)

(۲) سواد مراسله گمرک بوزارت مالیه مورخه ۲۶ مه ۱۹۱۰ رایورت سالیانه گمرک عربستان رسیده ومعلوم میدارد که درعایدات سنه پیچی ئیل گمرکات اهواز ناصری تزاید معتنابهی شده است بدواً که این دفترخانه احداث گردید اجزای آنجا مرکب ازاشخاص اهل مملکت بودند و عایدات سالی چند هزار تومان بیش نبود لیکن کم کم عبور ومرور تجارتی ترقی نموده ودرپیچو ئیل عایدات آنجا بسی‌هزار تومان رسیده است یعنی درعرض یکسال متجاوز ازچهار مقابل شده است حالا می‌توان گمرک اهواز ناصری را تشبیه بگمرکات خوی ارومی قصرشیرین سیستان قوچان بندرجز وغیره نمود و نظر بپاره‌ای ملاحظات اداره کردن اهواز از دفاتریکه سبق ذکر یافت مشکلتر است زیرامال‌التجاره‌ای که ازسرحدات قوچان سیستان بندرجز وغیره وارد میشود از قبیل قند و پارچه های نخی وزیتون وغیره است تفتیش وتعیین آنهاخیلی مشکل است زیرااغلب پارچه های مخلوط از ابریشم و پنبه ولاس پنبه است وبرای شناختن وتشخیص آنها گمرکچی متبحری لازم است ازطرف دیگر بواسطه پیدا شدن چاه نفت عدهٔ زیادی از اروپائی بآنجاواردشده اند مراودات بین قونسولگری انگلیس وگمرک خیلی زیاد شده است برای اجرای مواد امتیاز نامه (اویل سندیکات) سئوال و جواب تازه هرروزه در بین هست و ناچار برای حل این مسائل وجواب دادن بآن مطالب وجود اشخاص که خیلی مجرب وکاردان دیپلومات لازم است که بتواند بخوبی از عهده خدمت کاملا برآید باوجود این همه تغییرات اساسی اهواز مأمورین گمرک آنجا بحال اولیه یا تقریباً بهمان حال باقی هستند ونتیجه آن شده است که همه مردم شاکی هستند وسفارت انگلیس شکایت می کند زیراکه خیلی کارهای کمپانی که هرگاه مأمور قابلی بود ممکن بود در همان‌جا اصلاح شود بواسطه نبودن آن رجوع بتهران‌شده ودراینجا ختم گردیده است کمپانی (انج‌بروتر) که حالیه کشتیهای اودر اهوازلنگر انداخته ومال‌التجاره بیرون می‌دهند شکایت مینمایندازاینکه برای اجرای پاره‌ای مطالب قانونی مجبوراست بااشخاصی طرف شده که قابلیت منظوررانداردندوغالب بواسطه نادانی پاره زیاده رویهاو نقدی می کنند وارد کنندگان امتعه شکایت می کنند از اینکه غالبا در تشخیص پارچه های ما اشتباهات نموده پارچه پنبه وپشم را پشم خالص تشخیص می‌دهند ودر انواع پارچه ها اشتباهات زیاد می کنند و چون همه این مطالب را باداره مرکزی راجع می‌نماید اداره هم ناچار باید متحمل زحمات بی فایده شده مقداری از وقت خودرا تضییع نماید علاوه بر همه اینها اشتباهات زیاد در تعیین حقوق گمرکی انواع امتعه بنمایندو اگر چنانچه دراهواز اشخاص لایق تری باشند ممکن است خیلی بیش از اینها ترقی نماید نظر باین ملاحظات لازم میدانم که در اهواز یکنفر رئیس گمرک بلژیکی گذارده و دونفر اجزای ایرانی قابل هم که چندسال دربنادر شمالی تحصیل تجربیات نموده باشند معاون او قرار داده شود لهذا از حضورمبارک مستدعی است اجازه داده شود که یکنفر ببلغ سالی هشت هزار فرانک از بلژیکی اجیر نمائیم این مخارج در ماه بیش ازصد و پنجاه تومان نخواهد شد ومی توانیم متعهد شویم که هم تزاید کلی درعایدات پیدا خواهدشد وهم خدمت گمرکی بطور مطلوب اداره خواهد شد امرامر مبارک است چون دراینموقع جمعی ازنمایندگان خواستند دراین باب نطق کنند آقای متین السلطنه اظهار داشتند که یکعده زیادی از نمایندگان اجازه خواسته اند آیا تصور نمی کنند کهمذاکره کافی است.

حاجی سید ابراهیم — عرض میکنم ایرادیکه بنده کردم آقای مخبر جواب ندادند و کسی میشود که جواب بدهد بنده که این راجع بکمیسیون بودجه است تا بکمیسیون بودجه نرود بنده ممکن نیست که تصویب کنم وعلاوه اینمراسله گمرک خوددلیل برخلاف مقصود شده است که اگر با این همه مدت و این همه لزوم وبیاناتیکه میکنند چندنفر ایرانی را تربیت نکرده باشند که ازعهده اینکار برنیایند میتوانیم بگوئیم خدای نخواسته ایرانی نمیتواند اینکار را اداره کند واینکه وزیر امورخارجه اصرار دارند که لازم است البته میدانم که از اروپائیها برای بعضی جاها باید استخدام کنیم اما روز بروز زیادتر نباشد باید ازبعضی جاها کم کنیم ودر کنترات استخدام چند نفریکه درده پانزده روز قبل گذشت گفته شد که یکی از شرایط که باید بااینها بکنیم این باشد که درظرف سه سال اشخاصی را برای ماتربیت کنند که اگر خودشان بروند وبخواهیم که آنها متکفل این امور اداری باشند بتوانند ازعهده خدمات برآیند و کافی باشند ودر اینصورت بعقیده بنده این است که باید از عهده این خدمت که تربیت کردن اشخاص باشدبربیایند بهرحال بعقیده بنده این است که بایدبکمیسیون بودجه برود وهمچنین یکمیسیون قوانین مالیه هم برود که نظری دراین باب بکنند و بدون این که کمیسیون بودجه نظری در این بکند بنده این را قابل رأی نمی دانم.

معزالملك — کمیسیون خارجه در باب حقوق اینهاهیچ اظهاری نکرده است که ملاحظه کرده باشد درکار بودجه فقط اینجابرای استخدام یکنفر برای اهواز که ازطرف وزارت مالیه اظهارشده بود که مشت هزارفرانك حقوق داده شود وکمیسیون فقط تصویب استخدام یکنفررا کرده است ودر واقع از طرف وزارت مالیه استعلام شده بود که تصویب می شود که آیا جایزاست گذاشتن یکنفر مستخدم اروپائی دراینجاپانه وتصویب میکند که دراهواز یکنفر مستخدم اروپائی باشدیانه واینکه نوشته شده است هشت‌هزار فرانك عین‌همان است که لایحه وزارتمالیه معین کرده است وکمیسیون خارجه بهیچوجه من‌الوجوه نگفته‌است که نرود بکمیسیون بودجه البته باید برود وجرح وتعدیلی از نقطه‌نظر خودشان در کمیسیون بودجه بنمایندو کمیسیون خارجه بهیچوجه مداخله دراینخصوص نکرده‌است وآندو فقره دیگرهم فقط گفته‌است که آندو نفر این مقدار حقوق داشته‌اند نگفته است اینها که می‌آیند این مقدارحقوق داشته باشندواین هم بلازم مربوط بکمیسیون خارجه نیست وکمیسیون خارجه مداخله نکرده‌است امادر باب خدمت وعدم خدمت آنها این دو کاراست یکی این استکه علاوه برخدمت اداری هم تعلیمات دیگررا ازآنها باید خواست یعنی بگوئیم که علاوه برخدمت اداری یك سمت تعلیمی هم داشته باشند یکی هم خدمت اداری اگر اینها درست داخل خدمت نشده باشند نمی‌توانیم بگوئیم کار نکرده‌اند بواسطه این که ازشغل ووظیفه ایشان خارج است وکار اداری‌شان را نمیشود گفت بد کرده‌اند بجهة اینکه استانیستیك گمرك بمانشان می‌دهد که اینها خوب خدمت میکنند ودر موقعی که رئیس یك اداره و یك وزیریکه داخل درکارهستند ومعایب ومحسنات را خوب بدانند وهرقدر مااطلاع داشته باشیم باز هم اطلاعات ما سطحی خواهد بود گمان میکنم که بتوانیم ملتفت آن دقایق و نکات باشیم ولازم است برای پیشرفت کار که یك اروپائی در اهواز باشد و بنده تصور نمیکنم که این هیچ ایرادی داشته باشد پس فقط باقی می‌ماند که بنظر کمیسیون بودجه برسد و این را مجلس شورای ملی می‌تواند تصویب کند که برای خوب اداره کردن اهواز یك نفر اروپائی بیاید ودر مراسله مالیه این مراسله تصویب و تأیید می کند ومجلس شورای ملی هم می‌تواند این را تصویب کند و آنوقت در باب حقوق آنها رجوع می‌شود بکمیسیون بودجه وکمیسیون بودجه هم تصرفی در آن خواهد کرد و اما درباب آنسه نفر دیگر اگر یکی‌ازآنها نمی‌مرد ودونفر دیگراستعفا نمیکردند منفصل نمیشدند همهٔ آنها بودند پس این حرفها سر یك نفر است برای سرحد اهواز و این را هم وزارت مالیه صلاح دیده است و اهمیت دارد البته خیلی لازم است برای اینجائیکه هم اداره گمرك وهم وزیر مالیه وجود یك اروپائی را برای اداره کردن آنجا تصدیق و تصویب کرده‌اند.

حاجی سید ابراهیم — مادهٔ ۱۹ نظام نامهٔ